

خطی
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۱۴۲۷۲



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۸۹۸۶۹

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: **سؤال جواب همه کس را در صفت بازرگان**

مؤلف: **میرزای سید روزی تبریزی**

مترجم:

شماره قفسه: **۱۷۱۳۳۴۱**

بازرسی شد
۱۷۱۳۳۴۱

۱۷۱۳۳۴۱
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰

سیرت سید الشهدا
ج ۵



۱۴۲۷
۸۹۸۶۹



و بعد عین بلقیع الریحی الیهم
 زال ۱۶ کذا لعلت عو لک الله تاه باز
 از خبیر فعتدوا الی الی ثلاث و ثلاث
 لحفظ الفقراء و اعلم العلم و المجدیه فی
 بر از سر از تو الله تعالی حفظ الله
 فی جمیع البیت و الارضین البرات
 بر آن زده خبیر از حور زخم
 فتح صحیح از ان الله الیهم
 قاتب بیه لمان از الی الی الی

مسئله بزوال عین نجاست از حیوان
 غیر انسان سطر است یا نه جواب انشاء الله
 بعد از زوال عین حکوم بطهارت است مسئله
 شخصی مدتی نماز جماعت کرده و قصد شستن
 این بود که اگر در هر کجای به امام نرسد نماز
 شستن

بر هم نزنند نماز نش صحیح است یا نه جواب
 آنچه عجالتاً بنظر میآید صحیح است انشاء الله تعالی
 مسئله شخصی نماز قضا بر زمین در حال
 قوه ندارد که خود بکند آیا قبل از فوت
 میتواند نایب بگیرد بجهت نماز حاکم قضا
 جواب نمیشود باین بقدر مقدور خود بکند
 مسئله شخصی حج بگردن او دست و قوه
 و توانائی ندارد که حج برود آیا میتواند
 نایب بگیرد در حیات حج جواب اگر برود
 حج مستقر شده بود و نایب نرسد است
 و نمیتواند برود باین نایب بگیرد مسئله

حرفی از مبین و آب مبارک و لیکن یک سمت
حرفی با جهر و آهک مغزوب دو مرتبه شده
لیکن در وقت وضو کردن صحت در هر حرفی
و کل جمله سه مباحست و همچنین محل ^{مختص} مباح
هم مباحست آیا وضو صحیح است یا باطل
جواب اگر محل وضو آب مرخصیت مباحست
و غایب از حرفی و مخصوص نیست آب
حرفی که اگر بخورد دیگر هست که وضو بگیرد
وضو صحیحست و اگر آب از حرفی در زمان
دیگر کند اشکالی در صحت وضو نیست
مسئله از مبین نجی که با بران نمیکند و آفتاب

نمیآید مثل تحت خاک یا بسیار شستن آب
بر آن تا فرا گیرد و کذا شستن تا نجس شود و دفعه
پاکست یا نه و هر حرفی عدم طهارت میگرد
باید پاک شود غیر کف دست اجاب اگر سست است
که غسل در آن همان پاک نمیشود آب قلیل و اگر
کلی صلب است در مرتبه آب بر آن بر نریزد تا کف
شود و هر دفعه غسل اش را بگیرند اگر چه با آنکه
گردالی در یک گوشه اش بکند که غسل در آن
صحیح شود بعد که در آنجا کف ظاهر بکنند و الله اعلم
مسئله آفتاب من سین را که خشت و آجر و سنگ
و فرش کرده است مطهر است یا و در آن
و او را وسی و سبزه مغزوب در حکم صین است

جواب نظر هم اینها هست مسئله
آشیا با لایحه مضاد مثل طرب و شیر و امثال
اینها اگر بر وجه تنبیه باشد نجاست از جهت
انصاف سراسر است مسکنه یا مسئله از طرب است
بدست حاضر طرب میدهد طرب است
یا کسب یا نه جواب سراسر نمیکند والله العالم
مسئله در بلدی عادل بجم نرسد و شقاق
علم باین التوجهین بجم رسید که از بد است
از طروت چه باید کرد و طروت که اهل سنت
مسید کنند باین نحو که میگوید مطلق بزوجه
بفارسسی که تو زوجه خود را مطلق کنست طروت
کردی بزوجه سیکو به بفارسسی یا آیا چه

جواب در طروت حضور دو عادل معتبر است
علاوه معتبر اول و دیگر بر حرج بیاید دیگر نمایند که عادل
درا و باشند و بطروت اهل سنت نیست نتیجه نمیدانند
اکتفا بکنه طروت به حد بلای نا طروت که آنجا بطروت
خود آنچه شرع آنجا است نه نکاحی خود را طروت
گویند با معا له طروت صحیح میکنم یعنی بعد از آن
عده تزویج میکنم آن نه نکاح را چه خود چه غیر خود
مسئله شخصی مسید اند که طروت در حضور عدلین
که داده اند عادل نیستند آیا میتواند آن ضعیف را
جهت خود یا جهت غیر عقد نماید یا جواب نمیتواند
مسئله بلدی که آب رود غایب یا هر کی میتواند
حضر نظر نماید و آب را جهت امری خود برد بدون اذن

فکرم نشنید یا متوجه بودید که ما کس است جواب
فلا حظ الیه نیست که عفر آنرا در وقتها ترقت
بر اذن حاکم وقت باشد اگر مانع دیگرند ^{بشد}
مسئله ^{عصر} غامضی شخصی قضا شده است
و قضای دیگرند آیا بعد از نماز ظهر ^{عصر}
قضاء صبح را بخواند و حکم قضاء ظهر ^{عصر}
با نسبت به آن مغرب و عشا جواب ^{مسئله} لزوم است
معلوم نیست اگر چه موافق احتیاط است لیکن
اكتفاء به همین نماید در وقت بیجا آوردن
قضاها این نیز در محل خودش بکند مسئله
در بلدی بعضی اشخاصی قائلیند که شیعه اگر نماز
و لحاظ وقت نماز و سایر معامی را بکند و بترجم

بمیرد اهل نجابت است زیرا که شفاعت ^{مسئله}
صداقه شناسی حال اوست و این مناجات
سر تکسب نشود خود از اهل نجابت است و محتاج
بشفاعت نمی آید بود آیا با این طایفه ^{مسئله}
بامر طریقت طایفه است یا نه جواب ^{مسئله} جانم است
چون معلوم نیست این مقال کفر یا شد مسئله
در بلدی ظن آنجا نیست غالب مردم محبت
و یکی از اجتناب عشر شدید است یا
بجرت از آن بلد واجبست یا نه جواب ^{مسئله}
مظنه حکم به نجاست نمیشود ^{مسئله} در بلدی
قصاب اهل سنت است و کس در کوفه ^{مسئله}
نمیشود سینه و لجهان کارد که سپهر پیده از پوست

کند و قطعه و قطعه که در آن بیرون کشند و شکی از آن نماند
که در وقت طهر آن در عیبه آن که گوشت را قطعه شتر خالی
از او یا از شکی از عیبه آن است میبندد آیا خوردن
آن طعام جایز است یا نه جواب بجز در مقلد
حکم نجاست است بیشتر آن عموماً مسئله است که در طریقی
عقد جائز است یا نه و علی التمام حل نجس بعد
الکفایه ام نجس در طریقی الفصد جواب در نطاع
حل احتیاط است و در باقی عیب ندارد مسئله
طرف راست است به فضل موش روی او میافتد
آیا ناست نجس است یا نه و هكذا امر و عن سببه
جواب و فضل و بعضی از اطراف او را در آن باقی
پاک است مسئله ضرب که بفارسی او را چلیا
سیکریه و ضده که بفارسی او را چلیا میگویند

جایز است تا در آن
بجای نماند تا در آن

صاحب نفس سزاوارند یا نه و صیغه است ایشان است
یا نجس جواب پاک است مسئله پیر مرغی که نمیداند
حلال گوشت است یا حرام گوشت یا نماز گذار چگونه
است و هكذا استخوان جواب بچید نسبت که جایز
باشد اگر چه احتیاط در اجتناب است مسئله محول
نجس که در حبیب نماز گذار باشد مثل فلوس و کباب
و قمری که نجس باشد چگونه است جواب در آنچه
صدق کند که نماز در آن کرده احتیاط نمازیند و آنچه
صدق نمیکند مثل اینکه در نماز باشد دور نیست
که عیب نداشته باشد مسئله در واجبات نجس
مثل وجب حمد تنها و تسبیح از بعد در رکعت است و چهارم
و ذکر صغیر و کبیر در هر کوزه و سجده و طریقی بعضی جایز است
یا سبکه بیکر بقصد و حجب و بیکر بقصد قربت بخواند یا نه

جواب جوان طاهر است در هر کوی و در سجود لیکن
در هر دو تسبیح احتیاط کند با اینکه اگر تسبیح خود اندند
محمد مخی افند مسئله در نماز وحشت هم عدالت
اعتبار است باینکه هر کوی میتوان داد جواب عدالت
در اصل مثل معبر نیست چه ضایقه که معتبر باشد و فوق
و ظاهر علی الحصول نفس از تنبلی که در تکلف باشد تحصیل
صلواته بوجه مخصوص که با و داده اند که تحصیل نماید مسئله
مشغلی بعد از تسبیح از سجده استغفار میکنید
در بین استغفار شکر میکنید که تسبیح
بکنیم یا نه باید بر کرد یا اینکه بعد از محل است
درست است نکنند و حکم بعد از بکنیم جهت هر کوی
مشکوک در هر دو تسبیح است در هر دو تسبیح
که شکر بعد از نماز باشد یا نه و هر دو تسبیح
بلکه مطلقا بجز در هر دو تسبیح هم جایز است

و احوط اعتقاد بشکر است اگر عادت نشد علم این باشد
که استغفارها بعد از نماز از تسبیح منحرفانه لیکن در هر دو
در تکبیر سعید نیست که بعد از نماز باشد مسئله
مشغلی قبل از وقت شروع کرد و در وضو بقصد قرائت
قرآن مسئله در بین وضو وقت داخل باشد در هر دو تسبیح
نایز جواب وضو صحیح است لیکن طفلی آغاده نماز وضو
دارد این وقتا مسئله نماز خوف و کسوف را قبل از آنجا
باید بخواند یا بعد از شروع در آنجا یا مطلقا صحیح است
علا باینکه اول شروع در هر دو تسبیح است تا آفرین
آنجا که چه احوط است که قبل از شروع در آنجا
و تأخیر نکنند مسئله در بعد از سادات فقیر بسیارند
و سهم سادات کفایت جامع التیارات میکنند و در
مخاطبه احتمال بلکه ظن تلخیص است سهم ایام را به جامع بله
جائز است یا با دانند و کسب بجهت سادات لجان بله
باید داد بر فرضی عدم وجود کسب چه باید کرد جواب

که در وقت نوبت مجتهد چه نسبت به دست در بلد دیگر
سادات مظهرت بان هستی که اجمعت با آنها سازند
مسئله سید عیبه نخاج عروسی یا حجه سوار می
بجز یا برت عتبات میتوانند عنین یا سهم نام بگیرد یا
و اگر سید نخاج دو ماه خود مراد آمد میتواند نخاج
دو ماه دیگر را از سهم سادات و سهم نام علیه التهم
بگیرد یا باید صبر کند تا تمام شود جواب بگیرد در هیچ
صورتی که در مسئله سید نخاج نشان خود را
نماند است اما بنهایت عترت آیا میتوانند
از سهم سادات و سهم نام بگیرد و ترسعه بر خود ببرد
یا نه جواب بگیرد و ترسعه بجهت بدون اسرار
در زیاده مروی مسئله عروسی آب مجنس دارد
و سقف پوشیده است لیکن فرجه دارد که با
مجوسی میبارد آیا عروسی پاک میشود یا جواب

که معتقد است به با بران مجوسی بسیار و در تنهای با برین
بر هم نیز آب عروسی را که مزج شود با یک مشک عروسی
آب اطراف بیرون آن مجنس است بدست اجرا
طه نیز نند که اطراف را که در پاکست یا نه و علی الرغم الطهاره
محل بلینم التقد و ام لا جواب با استواء سطح یا عدم فرج
از روعده طهارت حاصل میشود و در جائی که حاجت
متعدد است در جاهای دیگر متعدد است
در نجای نیز مسئله کربه صومش میزند با غدی حسی دیگر
و احتمال طهارت هم ندارد آیا بزوال عین پاکست
دکات او یا نه و بر قرنی احتمال طهارت هم کربه بران
آب میخورد نه بدخان فلا تحمل الطهاره محققان کیف
نظیر فها جواب طاهر است انشاء الله مسئله
در غالب بلاد که تمام حوائج با جهت در سراه
عروسی دارند که است و از آن عروسی است و در
بجهت از آن است و در سبب

نیزه و بیکدیگر و اگر فرزند محبت نباشد پاک است و بیرون
جواب به استواء سطح یا صدق و صده و امتناع
آب پاکست مسئله اسب و اولاد و امثالها
در نسبت آنها زخم میخورد و خوب میخورد آیا پاکست
نا محتاج به نشستن است و علی التامه نیکیف بعلها جواب
پاکست انشاء الله تعالى مسئله در بله بعضی حمام عادی
و بعضی شیر دارند از دهان شیر آب صیریز و بزمین
در آب محلی و بی بدلهان شیر متصل است آب جمع شده
پاکست یا نه جواب پاکست مادام که متصل است
مسئله هرگاه نروج فوت شده و یک نروج در
دله دارد و یک نروج غیر ذات دله آیا متن چگونه
میباشد و در صورت انحصار بذات دله آیا
مطلقا از هر مخلقات متن میسر و یا فرق بین او
و بین ذات است جواب در متن که در غیر

غیر عقلم و الهی میسر میکنند و عقلم و الهی عزت
دله نمیرد و ذات دله احوط آنست که تا سبب
بصالحی نمائید چون امرت ذات دله نیز از آنها
کل اشکال است و مشهور است که ذات دله
میبرد نه غیر ذات دله آیا الهی و ابندی ادکد نمیرد
در صحت قسمت سهم دارد مسئله کمنی و فراد برین
برای چه کردن چه صورت دارد و هرگاه کمنی و فراد شک
باشد و قطع در جوش آمدن او در میان برنج
ند ایم آیا بقاعده طهارت یا استیجاب طهارت
مک بخورد و نشی میفرماید بانه جواب عیب نه از مسئله
در روحی عدالت شرط است بانه و اگر روحی عادل بنا
و صییت باطل است یا در صایت وی و بر صریح عدم
که باید بوضییت عمل کند جواب شرط نیست و وضییت
باطل نیست و در وضییت غیر ما خود منحن نیست

باید تحقیق فرمایند و محو آنهاست که شرح تا فرمایند بقیه بنمایند ^{مسئله}
و حدیث که در ثلاث معتبر است اگر نرسد بر ثلاث
نشود و صحت باطلست یا در ثلاث ترک که بمعنی و در
نرسد باطلست جواب در نرسد باطل است موقوف
باینجهانزه و مرند است اگر اما بنده کردند ناند است
سوال باطل میشود ^{مسئله} در غالب بلد و در سر حاتم
آب بر پای مردم میریزند از دو لجه جهت تطهیر ^{و شستن}
نشد و نم میریزند اما در نفع آنقدر صبر نمیند که غسل
منفصل بشود آیا پاکست یا نه جواب در نفع
احتیاط است البته و در نفع کفایت میکنند
باغاصیله جمله ^{مسئله} نم که نجس شد در تطهیر آن
آیا با آب بر عتق رحمت و بوضو آید کما تالی
بعضی یا از خوف بریزند کما تالی اکثر العلماء و لیکن بنا بر قول
آخیز آب پاکست بجهت خم محو اهد ^{بسیار دیر}

که هر دو آب غسل در عتق خم مع شیوه و بنا بر قول
اول هر دو آب پاکست بجهت خم محو اهد ^{بسیار حکم}
بیان بفرمایند ^{مسئله} آب از بالا برنجینند تا صغر
که میرود و طهر اقیهه میکنند و غسله بجز آنکه است
که مع شیوه در آخیز که بیرون میآورند و طهر آنچه برنجینند
شیوه از اول تا به آخر در هر غسل آب غسلت ز غسلا
و آنطریق که بنای قول اول است نیز خالی از آنست که
که در عتق و دیگر تر بقی را خیال کرده اند حدیث از جهت
اینکه آب که طرف که منجیته شیوه آب میآید از هر طرف
و آن اطراف دیگر را غسله فرو میگیرند و آب غسل پاکست
بنا بر این قول به آنچه ها نمیند و جواب بجهت کفایت
آب غسلت و تا نامرغ نشده است ^{مسئله} در تطهیر حاصل
شیوه و بعد بنیت که مراد کسی که کفعت از بالا است
نماید این بابشده که از بالا است یا سید و آب طرف

سیریزه تا جندی که غساله حج میشد بعد غساله بر بیرون
سپارند و محل غساله را آب سیریزه تا جندی که با من غساله
حج میشد با من غساله حج شده مرا بیرون میآوردند و بعد
تا به آخر و بر این فقیر حد و مراد کور در سوال دارد
و اگر آب سیریزه در خم دیگر باشند آنها اگر میشد که آن آب به جا
میآید و بعد از آن آنها بیرون میآورند تا سه مرتبه یا یک
مسئله کسی ببیند مال امام میباید و سئید میباید
که این شخص باذن بجهت یا در کسلی بجهت نداده است
آیا آنچه بر سئید مباحست یا نه جواب مسئله است
بلکه معلوم نیست مسئله فضیلت کرم که در میان
خوفاست مثل سبب نزد او که در خوفا و امثال آنها
آیا مباح است یا نه و حکم دادند غناب و خراب و سجده
روان سیریزه مباحست یا جواب کرم قلیل است
که بعد از آنکه کردی باقی میماند ظاهر عیبند است

اما در آن کوشی و مسجد که عیبند و غناب و غیره همچنین اگر فرزند
نداشتند مشقت قطع صلوات جهت دفع ضرر از عین
جایز است یا جواب اگر ضرر معتد به باشد مباح است
بلکه مباحی واجب در ضرر نفس و حسب مسئله فقط
که تا بل ترفیض نیست مثل بیعتان و یک اشرفی که بدون
ظرف و علم است دیگر است که ترفیض شود حکم حسب
جواب احوط نقد است و بعید نیست مملکت هم جایز
باشد مسئله امام یقین دارد که وقت داخل شده تا هم
اعتقاد دارد که وقت داخل نشده آیا میتواند تا نوم این نماز
را باین امام اقتدا کند یا جواب نمیتواند بلی اگر در اثناء
نماز امام وقت داخل شد به اعتقاد تا نوم بعید نیست
در دومین وقت میتوان به امام طحی بشود و با بقه نماز امام نماز
خود را بجا میآورد و الله العالم و احوط در این صورت نیز تر است
مسئله شخصی تمام امام را کند مثل اینکه به حاکمی بگوید از اول
سوال مسئله تا بعد از وقت است مباحست یا نه

بترصدید و او هم بر این شده بدون اینکه چه صورتی دارد
جواب با تعیین مراتب عزیز ندارد چون مقدار ملک
و صرف آب معهود است و منزل برستعارف مسئله
شکافی برود تمام نسبت میگوید چون طلب شما را هر وقت
دارا شدیم سید هم بر این میآید بدون تعیین زمان
چه صورتی دارد دیگر اولی که شکافی معادله نسبت میکنند
زمان معین نمیکنند باین بر این میآید چه صورتی دارد
جواب اگر چنین باشد که پول را بدنته قرار بدهد
و بعد از آن قرار گرفتن در ذمه خواهش مهلت تا زمان
دارا آمدن دارا میآید عیب ندارد چه در اینجا و چه در سایر
معاملات دیگر که حقیقه این را چه است بمعامله
نقدی مقابل نسبت منتهای امر انبیت که وجه معین
خارجی مخصوصه نسبت و در هر مرتبه است و بخوبی است
که بمقتضای معامله مسلط است صاحب مال را با سایر
چون از مطالبه نماید و اگر چنین نباشد بلکه پول مرول است

در سایر معاملات صحیح نیست و در اینجا معامله صحیح نیست
لیکن بعید نیست رضای بقرف بدست آید کفایت
در جوان فقرت نماید اگر چه معامله صحیح نباشد و ملک حاصل
نشود و ضمه اینکه اگر رضای بقرف از صاحب مال قطع نظر
از این قرار داد بدست آید یعنی نه آن رضای در ضمن
جهول الله است بلکه رضای عطفی فقرت فقرت غیر موقوفه ملک
جایز میشود و الا فله مسئله شکافی بقران میدهد پول بیا
بیشتر نمی شناسی میگوید چه صورتی دارد جواب معلوم
نبیست عیب داشته باشد مسئله موضوع عناصرا
بیان فرمایید جواب عنا خواننده است که جزو اش
الامات لخواست مسئله حدیث ضعیف خواندن
در چه صورتی دارد از هر کتاب و نقل معنی خواندن بدون اولی که
شکافی بگوید حاصل معنی خبر انبیت و حال آنکه تقصیر تأثیر
میشود جواب در نقل معنی اگر عبارت خود باشد سخن را
دور است آن خبر نتواند بفرماندند از و حاصل معنی
بقتضای بوقوف است بر این مسئله مناط کفر است که چه

بر نفع بیشتر و مایه بر او در این نسبت نایا در حقیقی است یا نه
پدر است و این خود و حرامند لیکن این مذهب کتول
مجموع نثر است ضعیف است و در صورتی بر شوهر خود حرام
مملوئیه مسئله ^{مراه} در یا به این نحو که شیده اید شخصی
میخواهد اجیر بگیرد از جهت موی خود یا اجیر بشود یا نه جواب
با الحضا ^{مراه} و عدم تعلق از تحفظ یا شرط حقومی انراه
بر تقدیر عدم تعلق از تحفظ مشطکست مسئله ^{مراه} زوج
ذات ولد از جمیع نر که من غیر استثنای امرت میباید
جواب نهایت اشکان در اجابتی نمانند اگر
میشود با صلح رفع شهید نمانند مسئله ^{مراه} عقار صیغ
اگر مرده و عطفه در فرزندش آنها باشند جایز است یا نه
جواب جایز است از برای ولی مسئله ^{مراه} ملکی صلح
صیغ است میزند بر ذمه صیغ و ملک دیگر از صیغ
و ادای وصیت آن را میکنند جایز است این معیاره یا نه
جواب جایز است مسئله ^{مراه} در نای عبادت عدالت
انها بابت طریق صیغ صیغ انند یا انرا بابت

موضوعی که اگر غیر عادل را معیشت با بنیم بعل کردنش میت
اجیر است یا نه جواب در صورتی و نثر بعل کردن بر وجه
صحیح صیغ نیست که تو انرا در کس خرف احتیاط است
مسئله ^{مراه} طحل صیغ در سواد را باذن پدرش یکما
متعه میمانند ایام تمتع داخل نیست صحیح است یا باطل
جواب صحت صیغ نیست و احتیاط داخل کردن
نرمانی که تا بلایت فی الجمله استمتاع داشته باشد بجز است
مسئله ^{مراه} شخصی وصیت کرد که ثلث مال را از برای خرم کند
و بگوید چهل سال صلوات و دو ماه صوم انرا برایم بجا بیاورد
در چنین صورت باقی ثلث که نماند از ثلث اجرت چهل سال
صلوات و دو ماه صوم است در چه صورتی من مشغول
جواب ^{مراه} باید نموده اصله مجال صیغ و انفع باشد
و اگر مال از عقاب خلایق دهد اگر احتمال معاقب بودن
داشته باشد مشتمل نظام اگر این احتمال برود که بر ذمه اش
باشد و نیز این در آن باید صرف نموده و الا خوب است که
در اقرب قربات مثل تریه و اعانت تر قمار و تقدیر

بر فقر از مساکین و اعانت سادات صرف غاصبانه است و الله اعلم
 مسئله هرگاه کسی خواهد غانز قضا احتیاطی بکند بعد از آن
 و دخول وقت فریضه قبل از ایتیان بفریضه میتواند بکند
 یا باید اول ایتیان بصلوات فریضه نماید و بعد نماز قضا احتیاطی
 بکند. **جواب** تقسیم نمازها فریضه لازم نیست بلکه شاید احتیاطی
 طمان قضا احتیاطی باشد بجز حلقه لیکن این طمان لازم نیست
 والله اعلم **مسئله** تطهر کفش با آب جاری و کس مسئله
 است که باید سه دفعه شسته شود یا دو دفعه **جواب** دو دفعه
 کفایت میکند بلکه کفایت یک دفعه محتملست و در سینه هرگاه تر
 و نجس باشد تطهر ته کفش و یا میکند یا نه بلکه باید یا نه
 و خشک باشد و تطهر فروت با آب جاری و کس تعدد لازم
 ناید **جواب** نباید خشک باشد چنانکه که هیچ طریقت
 معتد به نداشتند اما ظاهر باید باشد و مسئله آفر
 از سداب معلوم میشود **مسئله** تطهر با آب سبب الماء است
 جاری و کس احتیاج تبعد و عمر و دایره **جواب**
 تعدد احتیاط است و نیز وضو معلوم نیست و کفایت میکند

و عمر اینکه عالم جانم و فرشتن را در آب بقتی که آب در او تبید
 شده **مسئله** شستنی ملکی را بیح شرط کند آمده بلیش دیگری
 و سندی هم نوشته شد ولیکن صیغه مؤانده نشد و مشتری
 الحال ملک صاحب شده با بیح میگوید پول را صید طعم ملک
 را بدو مشتری مقبول نمیکند چه صورت دارد **جواب** اگر
 بمحاطات طعم معامله واقع شده باشد صحیحست و اگر در وقت
 که خیال برقرار داده اند وجه ما را در نحو احتیاطی صحیح دارد و بقیه
 فتح باید ملک با در وقت شسته و اگر نه بمحاطات و نه بغير محاطات
 معامله واقع نشده کفنی سندن نوشته نماندند **مسئله**
 باید با در وقت شسته **مسئله** صیغی را در ضمن نماز سینه بقصد
 اینکه بعد از آن بدی او را از قبر بیرون آورند و او را بمشاهد
 نقل نمائید آیا جایز است بلیش قرآن یا نه و هرگاه از اول مقصد
 نقل صیغی را نداشتند بلیش جایز است یا کفنی صیغی
 بعد از قرآن نوشته جایز است **جواب** در مسئله بلیش بعد
 از صیغی و نقل بمشاهد مشتری مرجوح بغير نماز سینه نوشته کفنی بد
 و قرآن جایز است لیکن احتیاطاً نماندند که جایز کفنی بلیش

که با این که حدیث احرام بلیت بعد از آن و دعا باشد الله العالی
مسئله اگر شخصی در جای باشد که خراب محضوب نباشد یا تنگی
وقت و کیفیت غسل یا وضو چه خواهد بود بر فرضی که جایز باشد و
یا غسل را بعد از آن و فرضیه خود را بجا آورد وقت دیگر داخل شد
و آب غیر محضوب است آری یا بجهان غسل یا وضو میتواند فرضیه
دیگر بجا بیاورد یا خیر **جواب** تطهیر بجهت باقیه قطعیت
مسئله قناتی یا تمر آب قحی که در عرف مالکین هست
مسلمانان وضو بسیارند و غسل میکنند بعد از آنکه غضب
نشده برای مسلمانان در استعمال تفاوتی بهم برسد یا نه یا اگر
تغیر از اعتقالات غاصب میبرد دخلی به این مسلمانان که وضو بسیار
یا غسل میکنند ندارد در صورت جایز بودن اگر تغییر مکرر باشد یا نه
جایز است استعمال مسلمانان یا نه **جواب** اگر از آنها
است که سیره بر استعمال آنها ثابت است بخوبی ثابت
است غضب نسبت بغير غاصب و اعوان او در زمین
منشأ من از استعمال بوجه سابق میشود والله اعلم العالم
مسئله کسیکه نماز قنادره نموده و منجی اهد وضو بر

یا اگر که غسل واجب بعمل بیاورد و منجی اهد با این وضو غسل
نماز قنادره نماید وقت که داخل بلیت که به بلیت نماز وضو
وضو بسیارند بلیت این وضو را چه باید نمود یا بلیت وضو
وضو یا غسل را بعد از آن ساعت دیگر که وقت داخل شد
میتواند با این وضو نماز واجب نماید یا نه **جواب**
احوط و اولی اینست که لا اقل یک نماز قنادره بکند و بر تقدیر
فخر استن یا استوانستن مضایقه ازینند اینهم که مقد
نماز متبوعی بجز آنکه که ممکن میشود بکند لیکن نماز خود احتیاطی
بلیت و اگر قصد یکی از غایبان که طهارت بجهت آنها مطلق
است شرعاً نماید بخوبی که داعی او بسوی آن غایت الحقیقه
قرابت بان باشد اگر چه حرکت بسوی آن داشتن طهارت
و مراد است باشد حکم صحیحست و بعد از دخول وقت آن
نماز میکند و مشهور است بلیت که غسل جنابت مستحب
لغشیست بنابراین حاجت بانها کفایت میدهد هر وقت
فراهد غسل میکنند بقصد مخرج حدیث جنابت
و نماز هم با او میکنند لیکن در جمیع طهارت غرض از وضو است که

که قصد بجا آوردن وقت داشت باشد قصد قربت مطلقه نماید نه بچوب و نه ندب یعنی ندب مصداق که در حضرت
و در هر یک مطلق فصل اول و الله اعلم العالم مسئله مزین
قربتات را تقییر میدهند غر آب غصبی یا غیر غصبی
و ما و جاری میکنند در سمرات غر و وضو ساختن یا غسل
کردن چه صلوات در آب غصبی و غیر غصبی در هر یک تفکیک
عده پیدا است یا نه مسئله در صحیح عبد العظیم محل قبول مسلمانان
لست در آنجا فحری یا عصبی احداث نمایند در آن
آنجا که آب غصبی داخل میشود اما در آب صیغ و وضو
ساختن یا غسل کردن چه حالت دارد جواب چون
محل حاجت صحیح شریف اما نمانده که در نزد التیغ
عبد العظیم علیه السلام است اگر حیاتی صحیح شریف این امر فوق
بفوق شریفی بوده است که معلوم نیست غر در آن جا
مخوف عیب داشته باشد بلکه حسنی داشته و در معلوم است
حقیقاً و وقف بوده مجتهد معجزه حال که چنین شده

بجوب خاطر مریض آن ممکن نیست مجید نیست که نشستن
در آنجا و وضو کردن فرزند داشته باشد لیکن آب وضو باید
سباح باشد شرعاً و اگر چه با ذن عام شرعی مثل آنهاست که با ما
که سیره بر استعمال آنها در مثل شرب و وضو مثل جا نیست
باشند و بغیر سباح خالی چه هو استن محضوب باشد و چه
بخطوط محضوب باشد نه جائز است و نه صحیح و الله اعلم
مسئله پنجم غلیظ از نجاست یا متنجس با انسان یا با
انسان برسد نجس بلوغ یا نه جواب نجس همیشه مسئله
در یک بشیر بعد از آن که درون شدتین بخوابد بجهت آب
الکوز و دیگر باین معنی اگر یک عمزده بشیر داشته باشد در
یا نه جواب ضرر ندارد آن مسئله در استنجاء البندک
اگر بندک صاف نباشد یقین نمیکند که عین رفت است
هرگاه خاک بمالد تا یقین کند کفایت میکند یا نه جواب
بلی کفایت میکند مسئله شستن در حنث در لب
آب شستن بعد از آنکه شستن در حنث شرعاً عاکم است

با ملک صاحبان جواب ملک غامس است مسئله ۲۹
در وقت شیره چیدن یک کفگیر در دلیکهای معده که در
یکجا نصب است میزنند عیب دارد یا نه جواب کفگیر
و یک چوش آمده در دلیک چوش نیامده نزنند مسئله
دلیکهای شیره هر چه چوش آمده باشد آیا یک کفگیر را
میخوان به هم آنها کرد یا نه جواب نلشان نشسته در
شده نزنند مسئله شهادت بر رسالت در تشهد
ممانند داخل در ذکر است یا نشود اول بقصد قربت نکر
که در مانده جواب جائز است مسئله هر گاه روحی از
ای برای وحی تعیین اجرت نکرده باشد وحی میخواند
بر طبق عمل خود اجرت بردارد یا نه در صورت جواز اذن
حاکم شرع لازم است یا نه جواب ظاهر است که این مسئله
صنعتی باشد در طیبی بر عمل و در ساله متاخر تفصیل آن
ندکوه است بر جمع نمایند مسئله آیا تیم صیغ در مباح
ملک صیغ اسقاط عین فاحش میتواند بکنند یا نه

جواب جوان موقوفه است بحصلت بی در غایت برین
اسقاط مصیحت نیست مسئله حد عین فاحش چه چیز است
بیان شود جواب عین متعارف در خارج از تعارف
هم مرابت دارد چنانچه بعضی مرابت بعد و در عین نیست
با اینکه نراده یا نفی هست مسئله آیا در نظایر سید
بسیار میزند یا نه جواب مدخلیت ندارد سیادت
در نظایر سید خود چه صدقه از نیت بی برابر است
صدقه از صاحب حق باشد و معلوم باشد که او سید نبوده
است مدخلیت محتمل است لیکن چون صدقه واجب
از نیت یا معلوم نیت و با عدم معلوم نیت اصل عدم
وجوب است از این جهت معلوم نیت که مانع است با
چون صدقه مند و نه غیر بسید بعید نیت جائز باشد
بی چون حکم این صدقه و وجوب نیت یعنی واجب تقدیر
عمود اگر کسی بنا برین بگذارد همیشه حکم صدقه و
بسیار غیر سید باید بگوید میشود و در لیکن این معنی
در محل منع است بلکه ظاهر ادله منع صدقه واجب

با صل شرعت لیکن احوط منع ذالک فقر بر غیر سید است **مسئله**
 العالم **مسئله** تالاب است در بعضی بلاد تقریباً بقا صید
 شتر مرغ و از حیثیت طول و عرض شاید قریب است و
 با چهار فرسخ بوده باشد و از قراریکه میگویند چشمه هم در آن
 تالاب هست و تخمیناً بقدر سه فرسخ آب در یک لوله
 آهنی آورده اند یا نزدیک شهر و در آنجا منقح میسوز
 در لوله آهنی کوچک بقدر لوله آفتاب یا زیادتر یا کمتر تنفات
 میکنند و چون تالاب مشرف و مستسط است بر شهر این آب
 با اختیار خود میرود بر تنهای چهارم یا پنجم بلکه تا ششم با خود
 این صورت فرخاد در زیر آب بگذرانند چیز متنجس در آن ظرف
 بشویند یا بشویند و بر فرض او که پاک بشود آب هم نجس
 نشود خود آب حکم کرده اما حکم آب جاری آنچه حکم مسئله است
 مرقوم فرمایند **جواب** بسم الله الرحمن الرحیم متنجس پاک
 و آب نجس نمیشود مادام که متصل است و حکمش حکم گران
 والله العالم **مسئله** مزید دو دختر دارد هر یک از مادر

و مزید وفات بموت پیاپی است هر دو زمان متر و کات دارد
 یکی از دو دخترها ضعیف و قوت و دیگری قوی **مسئله** مزید
 طرف ضعیف مرید و دختران زمان مصالحت نمایند با عدم رضای
 تجاری آیا مصالحت صحیح است **جواب** اگر او را اگر بر مصالحت کرده
 و لا علاج در مصالحت بمقدار آن بر نینموده بجهت اینکه نمیدانند
 صحیح است **مسئله** ظاهر او اتفاقاً اگر نکرده باشد صحیح نیست
 و اگر لا علاج بوده و بجهت لا علاجی صلح کرده خالی از اشکال نیست
 لیکن بر این تقدیر در متن واقع بجهت طرف مقابل حلال نیست
 والله العالم **مسئله** مزید ملکی وقف نماید باین عبارت
 برفیق مدخل آن تنزیه داری حضرت سید الشهدا عم
 معرف شو و نفق دیگر سن فقرای بلاد و فقرای اهل
 در محال بر فقرای بلیان مقدم فرموده الا قرب لا قرب
 مرعات نمایند آیا باستیقات طبقه حرم با طبقه اولی صدق
 و مقابل هستند یا اینکه فرقی و تفاوتی دارد **جواب** اگر از
 شوهر یا بطبقه اولی فقط بایده داد و در تانیه بعکس

باین معنی که اینقدر بنا شد که حسب آنچه متعارف درین مقام
زیاده بر یک طبقه عیش و یا اولی فقط طلبه اولی مقدم است
مقتضای آنچه قرار داده الاقرب بنا الاقرب **مسئله**
معامله دادن پول باین دو قسم که استنار **صحت** نایب
اولی آنکه مزید دو تومان معین را مصالک نماید با عمر و عوض
مال المصالح معین و شرط کند اینکه عمر و صدقات با و قرع
بدهد و قریم اینکه مزید دو تومان بدهد بجز که عمر و صدقات
با و قرع کند از کسبی **جواب** بی ظاهر اینست که این دو **صحت**
صحت انشاء الله و لیکن در صورت نایب اگر بخشید با دو تومان
و شرط کند که ان برای او از دیگری قرع کند صد تومان را
یا بجای او قرار دهد دخلی بسباب معامله پول ندارد و محل
لمرگی نیست و علاج بجهت تحقق انرا با نیت و اگر بخشید
با دو شرط کند که خودش دو نیت تومان قرعش بدهد
نظر صورت اولی است تفاوت بصالح و حبه است **مسئله**
پشت آب را معلوی چندین خانه متصرفند و میرند و آن

آب از قنوات است که مشهور به آب مسجد است حال کسی میخواهد
منع متصرفین از آن آب نماید قبل از ثبوت غصبیت میتوان
باین دو صورت **علم** غصبیت بزود آن آب در مسجد
چو میفرمایند باین است یا نه و اگر باین نیست مسلمانان میتوانند
از آن آب برای ضرورتها اینان صحیح است یا باطل **جواب**
میتواند منع متصرف نماید چون ظاهر آنقرع بودن آب لیل
ملکیت است اگر مشهور به آب مسجد بود نه بظاهر نیز بود لیکن
ظاهر اینست که استحقاق در الجملة بتصرف نیز بر ثابت میشود و اما
برون آنها به مسجد طرف شرعست بعد از حکم به ملکیت بمقتضای
قرع به استحقاق در الجملة و امر باب و ضرورت است گفته شود
منع از انتفاء و ضرورت با آنکه وقف بجهت ادست جا این
نیت یا بیاید و تحت خود را بردارد یا در حضرت استعمال دهد
و اگر هیچکدام نمیکند ممکن است گفته شود که مسلمانان بقدری
که زیاده بر حق ایشان بنا شدند متصرف میشوند و او
استیدان و مرجع بحاکم شرعست **مسئله** مزید **صحت**

و اگر دست راست او تر شست در غسل او تمام است یعنی در وقت
 در دست راست است مرد باید عورتش را بپوشد و زن
 جمیع بدن را الا صورت و کفایت و قدمین بلی کف با هم
 بنا بر حیاط بپوشد مسئله باید لباس مصلی خنجر
 بنا شد و عصبی و اجزاء حرام گوشه و مسیه بنا شد
 و از برای مردان حیرت مخفی و طربان بنا شد و مشبهه حجر
 و طربانی هم بنا شد و مشبهه نجس و مشبهه به جنس هم
 بنا شد با خصام یا بیغنی که مشبهه محصور بنا شد مسئله
 وقت نماز چهار عنوان دارد وقت تحقق و وقت
 مشبهه و وقت فضیلت و وقت اجزاء مسئله
 مقارنات نماز یا زده است قیام و نیت و تکبیرات
 و قرأت و رکوع و سجود و تشهد و سلام و ذکر و تکیه
 و صلاحت مسئله هر یک اجزائی نماز چهار است
 قیام و تکبیرات الا حرام و رکوع و دو سجده از بیک رکعت

مسئله جاهل بحکم قبله اگر نماز نشد ما بلیت همین در سب
 تلبیه هم واقع شود اعاده کند و اگر در بدین نماز بفرمان
 امنیت که تمام کند و بعد اعاده کند مسئله هرگاه شخصی
 از نماز شکست و تمام کرد و قنادان اما نمیداند کدام
 در مقدم بوده هرگاه ممکن شود عقبی کند که ترتیب
 میل شود و الا خیر است هر یک را هر اهل تقدم
 دارد مسئله هرگاه پیشانی بر هر چیزی که سجده آن
 جان و صحنیت قرآن کریم و میتواند هر مسئله
 آن را نزد پیشانی آورد و پیشانی را وصل بآن کند
 و بکشد و بر روی آن قرآن دهد باید چنین کند مسئله
 شخصی در حال قیام شست کند که شست بنا بر توجیه شست
 بوده نسبت همین حالتش عمل کند و اگر در همین حالت
 هم چنانست نماز نشد باطلست مسئله اگر شخصی
 در سجده است مسئله شست در هر رکعت در آمد
 و میداند که بعد از آن سجده مغلوبه معینت

که رکعت چندم است بقصد قربت سجده را بجا آورد و سوره
 بر آورد تا سحر مشق شود اگر امام است ضرر ندارد و اگر منفرد است
 اعتبار بهمان حالت شستگ است در آن سجده پس ترویج
 کند و اقامه سجد هرگاه سجده کند بقصد قربت احوط اعاده نماز
 است در صورت مفروضه و ما موم تابع امام است **مسئله**
 شغفی در حال رکوع زیادتر از حد رکوع خم شود و ضرر ندارد یعنی
 زیادتی از آنکه دستکش بنا افزایش برسد لیکن بجهت ادب
 از اسبم رکوع بیرون نرود و اگر آن سقط او خم شده و بیکر رکوع
 برنگردد بلکه راست بایستد و قیام بعد از رکوع را بعل آورد
مسئله هرگاه شغفی قصد بیتیج آربع داشت سهواً حمد
 و استیوع کرد و ملتفت شد قطع کند و از سر رکوع حمد را
 یا بیتیج آربع را بخواند و بعد از نماز احتیاط در سجده سهو
 کند و اگر وقتیکه برخواست بنماز بیتیج در نظرش و عبادت
 بنویسد همان حمد را تمام کند ضرر ندارد **مسئله** اذان و اقامه

که در سجده ساقطست سقطش غریمتت اما در سجده
 که چند **مسئله** جماعت تعاقب بیکدیگر مثنیعه امام را بخی
 ندارد گفتنش ضرر ندارد **مسئله** نماز قضا **مسئله** گفتن
 امام تمام نکرده دیگری از برای نماز بعد اقامه بگوید محل اشغال
 است در هر حکم در این **مسئله** هرگاه شغفی سهواً نماز
 عشا داد و وقت مشترک شروع کرد پیش از نماز مغرب
 و شست سه و چهار کرد و در شست بود و یقین کرد که
 نماز مغرب نکرده اگر رکوع رسیده همان نماز را تمام کند
 بقصد عشا و تلاضین را بجا آورد یعنی به حکم شست **مسئله**
 عمل کند و بعد نماز مغرب بکند و اگر رکوع نرسیده است
 فرو نشیند و تمام کند مغرب و احتیاط مغرب اعاده کند و بعد
 عشا را بکند این مسئله که ذکر شد دای جوشی بر قضا عجم بود اما
 نیز میفرماید در تمام نماز مغرب با این شست اشغال است
 و تمام کردن بقصد عشاء و اعاده آن احتیاط بعد از
 نماز مغرب ظاهر آنست که بهتر باشد **مسئله** سوی اسب

و قایل و ادواغ همراه نماز گذارد باشد نماز صحیح است **مسئله**
 و طریقات حرام گوشت همراه در لباس **مسئله** خشک شده باشد
 اقوی اذائه اثر آفت **مسئله** همراه آب انکود جوشت
 آمده پیش از آنکه در ثلث آن برود در لباس **مسئله**
 خشک شده باشد احتیاط در شستن آنست **مسئله** همراه
 شخی السلام علیکم را واجب قصد داشت و آخر قرار
 داد و تجسس نفییده بود ضرورت دارد **مسئله** همراه باهل
 مقیم هر سه سلام را قصد واجب گفت احوط
 امنیت که نماز و اعاده کند **مسئله** همراه سلام را داد
 و تعیین واجب نکرد ضرورت دارد **مسئله** همراه در حال
 تشهّد یا ذکر یا قرائت دست یا انگشتهای پا را حرکت
 دهد **مسئله** ضرورت دارد و احوط ترکست **مسئله** نماز صیبت
 همراه دعای مستحسّن غلط خوانده شود جهلاً بقیه **مسئله**
 آدمی تن نرسد یا بعضی از آن را نخوانند ضرورت دارد

یعنی باطن نمیشود **مسئله** زن در نماز محازی مرد یا پیش
 از مرد باشد که نماز نشات بقا در لبسته شوهر اگر چه محرم
 هم باشند احتیاط ترکست و همراه عجبی در میان شان
 باشد که در هیچ حالت یکدیگر را نبینند یا ده ذراع از هم
 دور باشند ضرورت دارد **مسئله** همراه شخی در بین نماز
 فرسید که سلام نماز سابق را نداده آن نماز را قطع کند
 اگر منافی بعد از سلام سر نرفته سلام نماز سابق را بدهد
 و احتیاط هر سجده سهو بجا بیارود و احتیاط نماز سابق
 اعاده کند **مسئله** گفتش در پای نماز گذارد باشد و سابقا
 پر شده باشد و سر نکشت شصت در حال سجده بر زمین
 بکند ضرورت دارد **مسئله** همراه نماز قنایه **مسئله** شخی باشد
 و نماز نازل را بر خود واجب کند مشغلت همراه واجب کرد احتیاط
 بجا بیارود **مسئله** صوم همراه نماز گذارد یا در لباس سست باشد
 ضرورت دارد **مسئله** همراه چیزی مثل لقطه هم راه خود نگاه دارد

برود و اگر در راه باشد بر مهر قرآن گرفت به اختیار ذکر سجده
 قریبه الی الله بگوید و سجده اول حدیث **مسئله** باطل
 وقت در اداء دین واجب فوریت اداء آن و اگر
 نداد و رخصی نکرد و طلبها هر دو در اول وقت نماز نکند اگر در آن
 وقت نماز کند بعد از آن رضای طلبها یا اداء آن او چنانچه
 دور و سعادت وقت کرده قضا کند بنا بر احتیاط هم چنین
 است در ادا نکردن محسن و نیکو اعم **مسئله** اسب
 پیستیم بر آشنیدن خود اصلوات فرستادن **مسئله** است اگر چه
 در نماز با شد **مسئله** جواب سلام طفل متمیز در نماز
 واجبیت **مسئله** سلام کننده صیقل تنها اگر کسیست
 که جنب بر تقید بر کفایت جوابی واجبیت و کفایت صیقل
 سلام عليك **مسئله** هر گاه در بین نماز ما **مسئله** بگوید
 تلمیذ کم نشد اگر وقت و سعادت قطع کند نماز او را
 بجهت کند بر خوب بطنه یا لثان در نماز باشد بر شپیت
 دست و اگر نماز بر سعادت مشق عقیق و غیره مناج

و سنه آنجا **مسئله** عمل نجسین نماز احوط اقتبا بدست
 اما اجزاء حرام کوششت در سابق حکم باقتبا فیکر شد اما
 احتیاط و محل احتیاط باطل است که صدق نکند نماز او
 صحیح و پس اگر صدق کند نماز باطل است و عمل آن عیجل
 یا سهوی یا به فراموشی صورتند امر و بی اگر در بین نماز
 متذکر شده از خود دور کند و نماز را تمام کند **مسئله**
 نجاست در لباس اگر فراموشی شده باشد تا تمام
 شود و اعاده یا قضا کنند و اگر در بین نماز بخاموش
 آمد قطع کند نماز او در وسعت وقت و اگر وقت
 تنگ باشد از خود دور کند و الا بر همان حالت
 نماز را تمام کند احوط و اداء قضاء السنه **مسئله**
 اگر در بین نماز عالم نشد که نجاست بدین نماز
 با وسعت وقت قطع کند و اگر مستی اند که با سینه نماز
 از خود دور کند و تمام کند و اگر عتیق اند قطع کند نماز او در **صیق**

وقت بر قسم مذکور تمام کند نمازها و اگر بعد از نماز عالم
 بشود به نجاست نمازش صحیح است و اول اعاده است
 در وسعت وقت **مسئله** باید سرانگشت بزرگ
 بر زمین بوسند و در سجده و رکعت اگر زیاد از این ناحی
 باشد ضوئند او و اگر ناخنی از رکعت زیاد باشد
 احتیاط بگیرند و از برای سجده بلندی ناخنی خود ندارد
 اما از برای غسل اگر چرت و مهریر آن زیاد باشد ضرر
 ندارد **مسئله** بودی بیچ چنته سجده صحیح است
مسئله هرگاه پیش از بهر نرسیده منقطع کرد که طمأنینه
 بعد از نوع و ایجا نیارده بر کرد و بجای آورد بعد به سجده
 هر دو صحیح چنانچه اگر تنگ هم دانست باشد احتیاط
 بر کرد **مسئله** شستن نماز قضاء یقینا که بجز نماز و ادو نماز
 مستحب را ترک کند بنا بر احتیاط و اگر هر روز شستول بجای
 آوردن نماز قضا است بمقداریکه آن حد مسامحه بیرون
 هر دو نماز مستحب خصوصی را در تب را میتوانند بعمل آورد

و نماز استیجار ظاهر آنست مثل نماز قضا خودش بنا بشود
 فصل در عداوت **مسئله** نماز ظهر عصر و مغرب بعبثت و نجاست
 عصره ظهر و حتی عشا مغرب و قضاء به آدا و قضائی که
 توسط اول اصلا نمیند از و قلیف بمراعات ترتیب
 نیز نداشته باشد بقضاء و مستحب واجب و مستحب
 به مستحب و واجب بمستحب جایز نیست عدول بکراوند
 خواهی درک جماعت کند یا نماز ظهر جمعه که میخواست سوره
 جمعه یا صافقین بخواند سهوا سوره دیگر بنا کردی میتوان
 عدول کند به مستحب و واجب **مسئله** نماز فرادی جماعت
 عدول نمیتوان کرد **مسئله** نماز عصر ظهر و عشا بعبثت
 و آدا بقضا و قضائی که ترتیبش بدان بقضاء سابق
 و جماعت بفرادی عدول میتوان کرد **مسئله** هرگاه نماز کرده
 بر سهوا و بیکر نیت ظهر کرد باطل است و عدول
 نمیتوان کرد **مسئله** هرگاه شستن بید و بقصد نماز مستحب
 خواه واجب و خواه مستحب و سهوا و در دلش ترک نشد

یا بر بنامش جاری کنند نماز دیگری چون ملتفت بشوند یا
 نیت همان نماز نیت که مقدم داشت در اول و عدول
 هم نمیخواهد اگر در اثناء نماز ملتفت نشد به همان حال تمام
 کرد اگر بعد و سواقت باشد عیب ندارد **مسئله** هرگاه شخصی
 در نماز قهراً حرکت کرد اما بقسمی که از صورت نماز نفی یاد
 بعد که قرائت ذکر یا قرائت که در آن حال خوانده قریباً به الله
 اعاده کند ضرر ندارد **حرکت** چیزی که آخرهای کلمه یعنی
 جاها آهسته خوانده میشود که صد او در پیشش میمانند مثل
 است نگو آنکه از حد چهار بیرون رود **مسئله** هرگاه در پیش
 مصحح یا مخفی باشد یا او را که محمول غیبی باشد که باصفا
 نماز مستحکم است اگر یک سوزن هم باشد نمازش باطلت
مسئله هرگاه شخصی بسجده رسیده و بجا نماند آمد
 که از رکعت پیش بکشد و نکرود و کوع نیز رکعت هم
 فراموش کرده سجده بر آن رکعت پیش قرار دهد و در
 درین صورت اعاده نماز است بعد از تمام و اگر

کهنه یا بسجده فرسیده است نشیند اگر بعد از آن سجده
 و است ز نشست و قرار بکند و برود بسجده و بعد از آن سجده
 برای نیابتی احتیاط بجا آورد **مسئله** هرگاه کسی ساق
 پا و اینها را چه برود چه زن نماز بان نکند بنا بر اولی که چه چیز
 و بگوید بر روی آن بپوشاند و هم چنین غیره **مسئله** هرگاه
 حکم دارد **مسئله** نماز مستحکم هرگاه طمأنینه و شراطین و
 از روی تمام یا عمد بجا نیارند باطلت **مسئله** هرگاه برین
 که شخصی طمأنینه و شراطین نماز در دست بجا نمیدارد و اگر
 با جهلست و احسبت او را او نشاند که اگر عالمست باید او را
 ابره مهرون کند یا شراطین **مسئله** وطن فعلی زیاده است
 دو وطن مشکل است **مسئله** هرگاه بجز آنکه شخصی از آن
 وطن رو دیگر قصد شش ماه مذکور در آنجا نماند است
 و ملکی داشته باشد در هر دو با آنجا احتیاط نماز واجب کند
 نکراد که قصد اقامت کند **مسئله** هرگاه شخصی نماز کرد و قصد
 ادا بعد معلوم شد که قنایه صحیح است **مسئله** احوط است

دو روز و نوبت قنات و بعضی آورده و همچنین است ^{عکسین}
 مسکن هرگاه که در نماز یک مرتبه را غلط گفت تا رجوع
 نوقت تلفت شد اگر افسوس در آمد اما جمله پیشتر شدن
 بگوید مسکن هرگاه که شک داد که پنجم رکعت بغروب
 مانده یا نه اول نماز ظهر یا بجا آورد اما در وقت غیر مستحق
 بجز اگر در نماز شک کند که ظهر را کرده این عصر است
 یا نکرده و این ظهر است نماز ظهر را قرار دهد مسکن
 هرگاه شخصی نماز مغرب را در دو رکعت سلام داد و بماند
 و بماند عشا مشغول شد در دو رکعت اول نماز شب آمد
 احتیاط بجهان داد رکعت سیم مغرب قرار دهد و اگر در سوگ
 باشد قطع کند و به جهان حمد اکتفا کند و تمام کند و اگر
 در هر رکعت تک باشد تا رکوع نرسیده فرو نمانند و تمام کند
 و اگر بوجوع نرسیده باطل است این نماز و آن رکعت
 ناقص را که ترک کرده بود بجا بیاورد و بعد از آن در ^{ظهور}

اعاده نماز است مسکن هرگاه شخصی پیش از این که نرسد
 بنجامش آمده که رکوع را بجا نیاورد و بخیزد و با سبب است
 و بجز رجوع و بعد احتیاطاً نمازش را اعاده کند اگر در آن
 خم شدن رکوع را بر سرش کرد مسکن هرگاه بقدر چهار رکعت
 با سوگه وقت مانده به آخر وقت و پنجم رکعت بسوزد
 آن وقت مستحق بجز است و بعد ظهر را قضا کند و بعد
 عصر را هم احتیاطاً قضا کند مسکن هرگاه خلیفه جز لباس
 نجس پوشیدن جا نهد و در نماز محرم یا غیر است باطن
 لباس نماز کند مسکن قطع نماز عجمه وضع غیبت یا غناء
 یا حرای و دیگر با قدمت وضع جائز است و بجهت ضرورت
 که تحمل آن جائز نباشد قطع نماز جائز است مسکن هرگاه
 شخصی شک کند که این نماز مغرب است یا عشا اگر نماز
 مغرب را کرده باطل است این نماز و اگر ازین حدیث است که نماز
 مغرب نکرده است پس نیت مغرب میکند و پنجم رکعت است

که بکعبت ازین دو نماز شکی کم نشده و عنید اند از کلام نماز پیش از آنکه
 اگر بعد از نماز دریم سناخی بجا نیارده باشد احتیاطاً بیک رکعت دیگر
 بقصد ما فی الذمه بجا آورد و نماز اول را اعاده نکند مسئله
 بعد از احتیاط بقتین کرد بفق نماز شرا و مخالف هم اوقات افتاده است
 احتیاط آن نفی بجا آورد و نماز شرا اعاده نکند مسئله
 آذانت که میان دو نماز ساقط است در صورت عدم ناصیه
 است و نافر کردن ناصیه است و ساقط نیست مسئله
 در آخر وقت اگر شخصی وضوع یا غسل کند بیک رکعت نماز در آن
 میکند و اگر تیمم کند چهار رکعت دو رکعت که تیمم کند و در آن
 تمام نماز مقدم است مسئله در سجده دریم نماز بقتین کرد
 که یک سجده از بخت بلیت مانده و هر کوع انبی که ترا هم نکرده سزا
 بود آخر وقت یک سجده را از سجده پیش حساب کند و بعد از آن نماز
 احتیاطاً که ترک نشود نماز را هم اعاده کند و سجده سهواً از برای
 هر زیادتی بجا آورد مسئله شخصی در رکعت چهارم یا پنجم
 بخینال رکعت اول یا دریم مسئله حمد شروع کرد و در بدین

حمد ملتفت شد قطع کند حمد اول و تسبیح یا حمد دیگر بخواند
 و بعد در سجده سهواً برای زیادتی حمد بجا احتیاطاً بجا آورد
مسئله هرگاه شخصی بسم الله بقصد سهواً گفت سهواً
 سهواً دیگر شروع کرد و در بدین ملتفت شد حمد و سجده
 همان سهواً و اگر سوالی که هم خوانده بسم الله را در وقت
 بگوید مسئله سوالی که عرفی بالنسبه بخود آن مجز است
 مثل تکبیر حمد و سوره و تشهد و سلام و تسبیح هرگاه نسیانگ
 سوالی که نشان فوت شود ضرورتاً از بشرط تدارک آن
 بجزند سوالی که اصل نماز را بر قسم فوت شود سهواً
 نماز باطل میشود علی الاطلاق اما اگر منتهای یک کلمه را بعد از تقدم
 بداند بود بیکری نمازش ساقط مسئله نماز جمعه واجب
 تخیر است ز عینی و احوط جمع است فصل در نیت است
مسئله شخصی بداند که چه نماز نیت که آمده و در بجا
 آورد بقصد قربت کفایت میکند و لازم نیست که تفصیل

اجزاء نماز را بدانند و تصور کنند بلکه کفایت میکند تقصیر اجزاء
 مسئله اگر شخصی نماز را قصد واجب کند و اجزاء آن را
 که عیند اند واجب است آن را بقصد قربت بخواند
 صورت ندارد مسئله اگر خوب هم نداند بعضی از افعال نماز
 در کسی او را تعلیم کند و او متابعت کند صحیح است غایتش
 و نیت بلفظ آوردن مایه است مگر در نماز احتیاط
 و احوط ترک است مسئله با قصد ریاضه از اول نماز
 وجه در بین نماز وجه در اجزاء نماز وجه در اول آن وجه در
 واحبات وجه در قوال مستحب آن با کلمت نماز اگر چه
 تابع قرابت هم باشد و یا اگر چه در وصف و صلاوة هم باشد
 مثل در سجده یا تحیات بودن مسئله هر چه اصل
 قصد قربت باشد و هر که یاد قرائت مسئله صلاوة
 بلند کند بقصد تکبیر و احرام یا مخصوص در چیزی که
 در محبات داشته باشد صورت ندارد مسئله اگر در نماز
 بخیزی یا بگشتی بجهت تعظیم غیر بقصد اجزاء نماز

ناطل است مسئله هرگاه شخصی قصد کند قطع نماز را
 و پیش از آنجا آوردن معنی آن صلاوة یا منافی آن
 مقصدش بگشت یا مرقد شد یا معلق کرد و فرج
 نماز را با مرئی مثل او که اگر نهد آمد یا در زمان منافی
 با آن آوردن و خود کرد و پیش از آن معنی و با آوردن معنی
 آن نماز احتیاط بعد از اتمام اعاده آن نماز کند فصل
 در قیام است مسئله قیام واجب است در هر
 جا سبب است که در حال تکبیر الاحرام و دیگری متعلق رکوع
 و قیام واجب غیر رکوع در سبب است در حال قرائت
 و بعد از آن رکوع و در حال تسبیحات امر به مسئله هرگاه آن
 اقوال مستحب نماز که در حال قیام باید مجا آوردن قیامش
 مستحب است با نیت ترک آن قیام و ترک آن اقوال
 جایز است در ضایعین وقف کلمات و آیات که در سجده
 واجب قیامش صحیح است مسئله هر که در نماز قیام است
 استیادن است بخوابی و در یاد قرائت است

بدون در حال اعتدال و اما در حال اضطرار تکبیر کند چو عجز و عجز
 قیام ظهر کند و الا اقرب بقدم و اشتمن شبهترین حالت است
 بقیام بر نشستن و اگر میتواند بنشیند و اگر در وقت استخواند
 نشیند تکبیر کند و اگر نتواند بدست راست فحج ابد در بقبله
 و اگر نتواند بدست چپ بخوابد در بقبله و اگر نتواند
 بر پشت بخوابد یا بقبله مسأله اگر امر مردد شود میان
 ایستادن بدون قرار و نشستن با قرار باید ایستادن
 مقدم داند مسأله هرگاه قیام بر او صحت را میتواند
 و نشستن بقرار نشستن را اختیار کند مسأله هرگاه
 بعضی نماز استراحت داده میتواند بکند ایستاده را مقدم داند
 هر بار یا جز شده بنشیند و اگر در بدین قرأت باشد
 مساکت شود و قبلیه نشستن و قرار گرفت اینها بخاطر
 کند بخواند و همچنین اگر نشسته باشد میتواند بخیزد
 و اگر قرأت تمام کرده باشد قیام را بخواند و بخیزد
 مسأله اگر استنادی که مرتبه اعلا است اگر عجز حاصل

نشسته نشستن کند بر تپه اذن با بنیستة سجده مشن تا به پشت
 و اذن آخر مرتبه اذن که پشت خا بید است هرگاه قد است
 بهم رساند با علی بیاید تا با استوان و اگر در هر مقام به تکلیف
 خود عمل نکند نماز باطلست مسأله باید پیشانی را بر زمین
 هر سیدت سر را بر زمین است گذاشت و حال
 اختیار بر زمین غیر معدنیها یا بر وسایط این زمین
 غیر اما خوردن آدامی اگر چه در حال مرض بخیزد اگر چه در وقت
 یا نغمه صیوه یا صیوه نادره هم باشد و غیر اینها چه سیدتی
 سینه یا کتات مسأله سجده بر وقت که کتات
 که با سی میکنند اقیان دارد اما خانه که اعلی
 باشد و جری در آن نباشد اگر چه رنگی هم باشد
 سجده کرد بر او و اگر اینها مسیبت شود بر محل وضع سجده
 و اگر محل سجده چکسید و غیره باید پاک کرد و اگر نجس
 ممکن نشود با سوسن محل این پیشانی یا کتات اگر نجس

مکن نشسته بپشت دست اگر آنم ممکن نشود در سجاده
مثل عمیق و غیره ^{است} مشقت باید مریض سجده که مریض پیشانی
پاک باشد بلکه مشقت به عین نباشد با انحصار و نشستن مریض
دیگر بر زمین قرار داده باشد باشد با جبهه انرا اول ذکر واجب
تا تمام شود مریض جبهه مشروط است که انرا کفنی یک خشت
ببندند و دسترا انرا مریض ایستاد نباشد و احوط در سایر
اجزای مریض رعایت است و بلبند نباشد ^{است} اگر پیشانی
بقدر مستی نتوان گذاشت بجهت جراحت و غیره کودی
بکند که اطراف پیشانی بر زمین برسد و اگر آن هم ممکن نشود
جبین را بگذارند و احوط مقدم داشتن جبین ^{است} مریض
است و اگر آنم ممکن نباشد نه نماز بگذارد و اگر این هم ممکن
نشود خم شود بقدر امکان و اگر ممکن نشود جابرجا
ببند کند و اگر ممکن نشود ایما کند بسرواگر ممکن نشود ایما

کند بدو چشم احوط آنست که بجز پیشانی در سجده
با امکان بلکه نشستن مریض دیگر را هم هر یک که نتواند
بوزمین برساند احوط است و در صورت نشستن بعد
انرا سجده اول و قرار گرفتن واجبست ^{فصل}
در تشهد است باید شهادتین را تمام بخواند
با صلوات و مشرطیطی در قرائت گذاشت بی باید طمأنینه
باشد انرا اول تا آخر شدن و قوت اقعاء نشستن که احتیاط
^{است} صحیح است نماز مرت در لباسی که زنی مرد نیست
در چنین مرد لباسی که زنی زانان است اگر چه پوشیده
صحیح است و احوط احتیاط ^{است} در نماز
عمل اجزاء حرام نوشتن با نماز گذاشتن اشغال است و پوستک
آب و قندس اگر در حرف خزن نامیده نشود اشغال است
و در طهاره و در تعیین حریمی و مثل آنها که بلبوس باشند
غازول آنها اشغال است ^{است} آستر جابه

مستحب است بیع شصت
خرد یا باشد آنست که در وقت و در وقت و در وقت و در وقت
بشد و اگر در آنجا که خرید و در آنجا که بیعت
ترتیب در آید حرام است و سواض کردن هم اگر اصلاح
بنا شد حرام است **مسئله** در محل آتانه از حد قرضی باید
خارج نشود و خرج ستواج ببرد خود ندارد **مسئله** هرگاه
صیغه قصد آتانه کرد و غمانی تمام نکرد که حایض شد بعد
که پاک باشد غمانی تمام کند مگر او کند از قصد اول ببرد و پسینی
از او بماند تمامی بکند **مسئله** هرگاه کفنی شخصی حرف
عقد اگر محض آن یا پستتر از کفنی خود نشود هدست حرف کفنی
خود ناقص است **مسئله** لیکن بجز آن قفاقی اگر بجهت است
از آنست که بکند و زیادتی صیغه بقرای بد به در آنند
به آن کسیت اگر بکند آن در هم یا داده است **مسئله** آنست
احوط است آن یا سن آن پیدا آید شدن صایبی قصد آنست
بقرای بقرای بقرای بقرای **مسئله** مالک بده بده
بکند اگر بقدر دماغ است باید که بکند و اگر

مستحب است بیع شصت
طفی پیدا کنند باید و بی او ترفیع کند اگر چه تفرقه در آن کرده
باشد **مسئله** هرگاه زنا کرد لباسیکه از برای هر دو است
گرفته بود بجهت کسوة اش خواه پوشیده باشد خواه نبوده
باشد مال زنت بودن ظریف است احتیاطاً از آن مخلفات
اثر حساب **مسئله** هرگاه شاخه درخت صیغه در آن
از دیوار باغ آمده راه گذار بی رضای صاحبی میوه آن
بچینند حرام است و هم چنین اگر در هر چه بختی باشد
بود آنتن آن نیز حرام است مگر بدانکه ضایع بودن صاحب
مسئله آتای بیع بود و قسم است یکی بیع قطعی و یکی بیع
بشرط خیابان و این بیع بیع بیع بیع بیع بیع بیع بیع
باید در زمان معین باشد اما بشرط بیع بیع بیع بیع
صند جز است اول او که باید فروشند و بیع بیع بیع بیع
باید در زمان معین باشد اما بشرط بیع بیع بیع بیع
در آنست که بیع بیع بیع بیع بیع بیع بیع بیع بیع
در آنست که بیع بیع بیع بیع بیع بیع بیع بیع بیع

مَرَّتْ عَلَيْكَ بِلَاغٌ فَهَرَأَى عَلَى الصَّدَائِقِ الْمَعْلُومِ
 و جواب فردا با قصد انشاء قبول ايجاب بگويد قَبِلْتُ
 كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ و اگر بگويد زَوْجَتِي نَبَيْتَكَ جَوَابِ
 بگويد مَعْمُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ مسئله هرگاه زن بگويد
 زَوْجَتِي نَبَيْتَكَ نَفْسِي مَرَدِ بگويد قَبِلْتُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ
 مسئله و كل زن بگويد زَوْجَتِي مَرَّتْ عَلَيْكَ
 و جواب بگويد قَبِلْتُ لِمَرَّتْ عَلَيْكَ كَفَايَتِ
 مسئله اگر منقطع باشد يا بشد زن بگويد
 وَ حَتَّى نَفْسِي فِي الْمَدِينَةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَسِيخِ
 مسئله اگر در جواب بگويد قَبِلْتُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ
 مسئله اگر در جواب بگويد نَفْسِي كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ
 مسئله اگر در جواب بگويد قَبِلْتُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ
 مسئله اگر در جواب بگويد قَبِلْتُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ

جواب فردا با قصد انشاء قبول ايجاب بگويد قَبِلْتُ
 كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ و اگر بگويد زَوْجَتِي نَبَيْتَكَ جَوَابِ
 بگويد مَعْمُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ مسئله هرگاه زن بگويد
 زَوْجَتِي نَبَيْتَكَ نَفْسِي مَرَدِ بگويد قَبِلْتُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ
 مسئله و كل زن بگويد زَوْجَتِي مَرَّتْ عَلَيْكَ
 و جواب بگويد قَبِلْتُ لِمَرَّتْ عَلَيْكَ كَفَايَتِ
 مسئله اگر منقطع باشد يا بشد زن بگويد
 وَ حَتَّى نَفْسِي فِي الْمَدِينَةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَسِيخِ
 مسئله اگر در جواب بگويد قَبِلْتُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ
 مسئله اگر در جواب بگويد نَفْسِي كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ
 مسئله اگر در جواب بگويد قَبِلْتُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ
 مسئله اگر در جواب بگويد قَبِلْتُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ

و قبول احوط بعد از آنکه با قصد انشاء قبول ايجاب بگويد
 مسئله هرگاه مردی بداند که شوهر زن مسافر برسد
 و خود نات او را نداند و ضعیف بگوید که شوهرم وفات
 کرده و قهرت باشد آن مرد نمیتواند آن ضعیف را بقبولد
 و اگر در بنا بر احتیاط بلکه اگر مترجم نباشد چنین است
 مسئله جایز است از برای مردیکه امراده دارد نگاه
 نرخی که صله حیت دارد از برای پیش نظر کردن بر
 و محاسن او را بقصد لذت نباشد و نظر کردن بر
 محاسن خود غیر عورتستان و اما نظر کردن بر عورتستان
 اجنبیه یعنی غیر محرم بدون لذت و شهید حرام نیست
 لیکن احتیاط نشداید تا کسی است این احتیاط ترک نشود
 نگاه کردن کسیکه بتزکات حرام سفینه است
 و حرام است استمناء کردن اگرچه خون آن باشد
 و اگر استمناء نکنند حرام ببیند و اگر فحش مجنون است
 بنا بر احتیاط مسئله هرگاه ضعیف خود را بقصد
 در آورد و شرط کند که او را بشد از نجف اشرف بیرون

جواب فردا با قصد انشاء قبول ايجاب بگويد قَبِلْتُ
 كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ و اگر بگويد زَوْجَتِي نَبَيْتَكَ جَوَابِ
 بگويد مَعْمُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ مسئله هرگاه زن بگويد
 زَوْجَتِي نَبَيْتَكَ نَفْسِي مَرَدِ بگويد قَبِلْتُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ
 مسئله و كل زن بگويد زَوْجَتِي مَرَّتْ عَلَيْكَ
 و جواب بگويد قَبِلْتُ لِمَرَّتْ عَلَيْكَ كَفَايَتِ
 مسئله اگر منقطع باشد يا بشد زن بگويد
 وَ حَتَّى نَفْسِي فِي الْمَدِينَةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَسِيخِ
 مسئله اگر در جواب بگويد قَبِلْتُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ
 مسئله اگر در جواب بگويد نَفْسِي كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ
 مسئله اگر در جواب بگويد قَبِلْتُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ
 مسئله اگر در جواب بگويد قَبِلْتُ كَفَايَتِ مَكْنِيهٍ

نزد جان است **مسئله** مایه مزاج بشرط خود وفا کند **مسئله**
 هرگاه در یکبار وکیل کرد که بر تاده بر روز **مسئله** به یکسریال بعقب
 فلان و برآور و زمان را تعیین نکرد وکیل میتواند هر زمان
 که خواهد عقد کند اگر قرینه بر خلافت نباشد یعنی مانع از
 ظهورند اشتباه باشد **مسئله** هرگاه شخصی از برای
 دیگری نوشته است که فلان زن معین را بعقب من درآور
 جایز است **مسئله** هرگاه مزاج یا زوجه یکی یا هر دو از حی
 نباشند و جمراً اذن دهند عقد نفولست و با اجابزه
 کفایت میکند و احتیاط شدید در عاوه صیخ است
مسئله هرگاه در طلق طفل خود را بعقد یکی در آورد
 بعد که طلق تکلیف رسید نمیتواند آن عقد را مرد
 کند مگر صیغی از مقامات که در حلقه مفسده عمل باشد **مسئله**
 هرگاه شخصی بگوید فلان زن کثیر معین را یک شب از من
 بخواه که در کفایت میکند احوط عدم الکفای بجا
 است در تحویل پس بگوید اهلک لک و غیره جواب بر بلیت

چنانکه در
 کتب معتبره
 مذکور است
 و محال است
 قبلت

مسئله اگر کسی بر عقد کنی بگذرد و اجازت از
 جایز نیست و باطل است **مسئله** زن شوهر در وقت
 که به اند و عده است و عقد کنند حرام مؤبد میشود
 اما اگر ندانند که در عده است عقد باطل است اگر
 مقاربت شده حرام مؤبد است و اگر از اول
 باجموعه باشد اولاد شبهه است ملحق بد است
 احتیاج بطلان دادن طم نیست **مسئله** بشرط اذیت
 در صحت تعیین مهر و زمان تعیین ذکر آنها در ایجاب
 شرط است نه در قبول لیکن باید قابل فسخه آنرا داشته
 باشند **مسئله** اگر شرط کرد نفقه و کسوت
 بدهد و اگر بعد از دخول مدتشرا اجتناب نماید تمام صلح
 بدهد و در نفقه و کسوت اشتغال است و اگر صلح آن
 دخول باشد نفق منقطع بدهد **مسئله** اگر
 نمیرد در حق مضاجعه و خروج بزمان عده هم نه است

محل داشتند باشند خرج آن زن در نفقات محل باید رسید
 محل تأمل است مسئله اگر منقطع مقاربت نشده
 عده نداده را اما اگر شوهرش و ناته کند عده و ناته
 باید بگردد مسئله در حین مدت منقطع میسوان
 بخشد مسئله عده منقطع اگر حیفی بلبیند حیفی
 بگذرد و اگر حیفی نبیند چهل و پنج روز بگذرد کفایت
 میکند اگر محل داشتند باشند بعد از وضع حملش و اگر
 ناطق باشند شوهرش عده اشن ابدا کالجین است
 مسئله زنی ناسینه حتی مضاجعت هم نداده
 مسئله در عده و حقیقت هرگاه شوهرش بمیرد
 و اگر وقت از او بگذرد هم چنین است مسئله مستحاکم
 ناطق باشد شوهرش را در وضع خون کرد خون زد دید اما میداند
 که بعد از آنکه با همات و ضرر میتواند فرزند کند مسئله
 لازم نیست طایفه انگشت بعد از بیابان محرم است

خود را نگاه کند خود را بلکه مستحکم نیست بل ضرر و غم
 نداده اگر چنین کند مسئله هرگاه زوجه مهری مقیم
 کرد و آن برای زوجه و قصد دادن آن نماند او عقدش
 صحیح است اما دین بر ذمه است مسئله هرگاه زن
 قبل از تمتع بوده باشند و مزاج خود را وضع کند ناسینه است
 مستحکم نفقه و کسوت و مسکنی میباشد مسئله هرگاه منقطع
 مدقشرا شخصی بخشد یا سزا دهد و خواهد آورد بعد از خود
 آورد در عده بایز است مسئله هرگاه زوجه زنی
 از برای شخصی در بلاد بعید که فله صیغه ما فلفان مبلع
 و زمان معینت بعد من در آوریم بجهت بحسبیت است
 مسئله در عیب زنی یا مرد بایست صیغه عقد بشود احتیاج
 ندارد قاضی است بلکه به صیغه نفی یا صیغه نفی یا اگر تقاب
 شده خداق نی خواهد فراموش شده بخا اهد مسئله زن
 که با او نشوهر از خانه بگریزید و یا صانع مقاربت

باید که بعد از آن فقط رکعت و سکنی محروم است نه از نماز
 آن برسد مسئله هرگاه نماز علم حاصل کرد و بشوهر شدن در سفر
 وفات کرده بعد از عده بشوهر رفت چند سال گذشت
 بشوهر شدن آنگاه عده بشوهر تا زمان طهانه دارد و بشوهر اول
 محلول است و بشوهر تا آنجهت دخول هر اهل بدخلی و صنف
 از بیع عده نمیخواهد مسئله هرگاه نماز بکرید اگر بکرید یا
 بشوهر شود یا باقی عده ام گذشت و متراکم بنام شده و زمان
 تمام بخوابیدن کند بختن عده داشت باشد کفایت میکند قول
 او ~~بشوهر~~ هرگاه بروی خدمت بدین ضایع بزن خود نفیها
 بخدمت و از آمانت نمیتواند اجرت خدمت از مال شوهر
 بردارد اگر بقبضه بیع بود از هر دو خای ~~بفصل در سهویات~~
 مسئله سهویات بر دو قسم است یا چیزی از عاز
 بکرید یا زیاد و بعد حاملت نیاید اگر بکرید باشد
 و داخل رکعت دیگر است و اگر در آن نماز جای با و

و اگر داخل رکعت شدی باطل است و هم چنین اگر غریب
 باشد و محلسن باقی است بجا آوردن و الا نماز صحیح است
 بی سجده سهواً برای هر چه سهواً کم شده است
 یا زیاد بجا آوردن احتیاطاً مگر سجده واحد و تشهد فراموش
 شده که قضا لیتش اول باید بخاند و مشروط بعد سجده سهواً
 نکند مسئله سجده سهواً پنج موضع واجب است اول
 بجا و سلام بجا و تشهد فراموش شده و سجده فراموش
 شده و نشک چهار پنج بعد از آن سجده تعیین است
 حفظ در نماز حکم علم دارد و مظنه بعد از نماز حکم نشک
 دارد اما احتیاطاً بترک نشو مسئله هرگاه شکی
 بعد از نماز سجده سهواً فراموش شدن کرد و هر وقت فراموش
 آمد بجا آورد و اگر در نماز باشد بعد از نماز بجا آورد
 و اگر وضو ندارد و لباس از مسئله هرگاه و شکی در نماز
 نماز نشک کند نماز ظاهر است ~~بفصل در سهویات~~ یا عمر ظاهر حساب کند

مسئله اینست که اگر کسی در سجده سهو واجبیت در یک رکعت زیاد
 حتی سهوا در نماز اوقات میماند سجده سهو احتیاط است
 در تمام قیام چنانچه گذشت حتی اثن السلام یا گفتن لبس و هم
 در این زمان زیاد شدن اذکار مستحبی سهوا پس هرگاه در حال
 در نماز استین یا بعد از سجده یوم سئله بخمال بعد از سجده
 در اول رکعت استغفر الله یا بعد از نماز دو سجده سهو علی
 پیش از احتیاط و هم چنین هر دو مستحبی از اجراء نماز سهو
 بجای نماند و تمام اید و نقصان که سجده سهو بخیر اهد
 احتیاط آنرا در سجده است نه عمد اما تسبیح ابره بجای
 تسبیح دیگر هم بگیرد سجده سهو بخیر اهد اما سلام هم
 سلامی بگیرد و حمد یا نکر نکر و سوره نکر نکر و یک
 آنست که بیجا هم بگیرد بخیر اهد و هم چنین است افعال نماز
 مسئله هرگاه شخصی اشتیاقات و سهویات سجده
 سهو و غفایات و منافیات را نداند و غفایات

هم در نماز اوقات نیفتد نماز من صحیح است اما فصل آنرا
 بر او واجب است و اگر ترتب واجب کند عمدا فاسق است
 مسئله شکی بسیار دوسته بعد از احوال سجده تعیین
 بنابر بوسه گذاشت و بخواست و بر تسبیح و بوسه تسبیح
 بد و مرت فرود نشیند و تشهد را بخواند و بخیزد و تمام را
 تمام کند آن برای هر یک از عجل الله و قیام و تسبیح بیجا سجده
 سهو احتیاط بجای آورد مسئله شخصی هرگاه در نماز
 رکعت دوم نماز احتیاط المیتاوه یا در اول رکعت بنشیند
 خاطرش آمد که اصل نماز من شده رکعت دوم است
 از این نماز بود او در رکعت ششم و ششم رکعت چهارم
 ششم و نماز او تمام کند بعد احتیاط نماز را اعاده کند و سجده
 سهو بخیر اهد بکن سجده تشهد و سلام بیجا و اگر در تمام
 با نماند بنشیند و رکعت اول را بجای رکعت چهارم
 سلام تسلیم کند و هم چنین است اگر در رکعت اول و حمد با نماند
 به رکعت حمد تسلیم کند و تمام کند احتیاط نماز را اعاده

کند بعد از سجده های سهو مسئله اگر ملتفت شد که اصل نماز تمام بوده در همین نماز احتیاطا مواجد قطع کند یا مواجد عدل به مستحی کند بدو رکعت سلام دهد اگر قضاء بود مشق خود نماید مسئله مقدر فعل مثل سر از زمین شدن سجده در سجده است هرگاه زیاد شود سجده سهو نمیخواهد و اگر بقصد احوال یا آوری خود ندارد مسئله هرگاه شیخی بعد از سلام سر از زمین کرد تشهد یا سجده فراموش شده را برانداخته بود بقضا کند و منافی مبطلی سرزد از بعد از آنکه احتیاط آن نماز یا آورد با سجده سهو در نماز شرا اعاده کند مسئله هرگاه شیخی رکعت احتیاط را فراموش کرد به منافی و نماز بعد از احتیاط نشد در همین نماز خاطرش آمد اگر کل عدل باقی است عدول میکنند نماز احتیاط و الا آن نماز را قطع کند احتیاط و نماز احتیاط را بجا آورد و احتیاط نماز شرا اعاده کند مسئله هرگاه شیخی در سجده مثل شکر اعاده دو رکعت کرد به التفات سر از زمین سجده برداشت

ملتفت شد فکر کند اگر مظنه اش بطرفی رفت بر همان عمل کند و الا پیش از آنکه احتیاط حساب کند مسئله هرگاه شیخی شکر کند میان سهو چهارم در حال قیام و یقین کند یک سجده در همین رکعت بگذرد نماز پیش از آنکه طاعت مسئله هرگاه شکر کرد باطل است نماز در پیش از آنکه احتمال صح بودن باشد مثل شکر چهارم شیخی تمام کردن نماز یا اهد قطع کند نماز را مسئله هرگاه در حال شکر سنا فی نماز بعمل آورد عمد او نماز را اعاده کند نماز صحیح است اما اگر کار است و اگر سهو است و منافی بقسیمه باطل باشد نماز پیش احتیاطا نماز احتیاطا بجا آورد و نماز پیش را اعاده کند مسئله و اگر در نماز احتیاط خللی بجز سجده مثل اصل نماز است در بطون و موجب سجده سهو در وقت نماز شکر و نماز را بجز یاد آوری کند اگر زیاد نماز شکر است و الا بنا بر

بجمله سجدات **مسئله** بانه نماز احتیاطا بعد از تکبیر
 حمد شتر از آهسته بخواند و قنوت و اذان و اقامه نخواند
 در رکوع و سجده و قنوت و سلامش مثل نماز است **مسئله**
 هرگاه بعد از بناء شک سلام داد و بعد از سلام نهید
 ناخامی نماز شتر بدون سنائی ناقصی را تمام کند و اگر نه
 تمام بودن نمازش را تلافی بخواند **مسئله** اگر بعد
 بعد از دو رکعت نماز احتیاط که اصل نمازش سه رکعت
 بوده احتیاطا یک رکعت چهارم را بجا بیاورد با سجده طای
 سهو و احتیاط نماز را اعاده کند **مسئله** اگر بعد از نماز
 بفرجه مطابق بود نماز احتیاط را با اصل نمازش احوط
 دارد اعاده نماز است **مسئله** قنوت و سجده فراموش
 شد قنوت و سجده نماز است بی هرگاه در بین قنوت
 فراموش آن فراموش نشود بعد از تکبیر شود اگر سنائی
 عمدی سهو یا سهو بجا آید این جمله را بعد از نماز

و اگر سنائی سهو زنده احتیاطا تشهد را بخواند و نماز شتر اعاده
 کند **مسئله** اگر نماز احتیاط و تشهد و سجده سهو هر یک را
 بجا بیاورد سجده سهو را سو فرود و آنها را احوط تقدیم
 رکعت احتیاط است **مسئله** اگر قنوت و سجده
 بفرجه باشد هر یک را که مقدم بوده مقدم در نماز احتیاط
 شدید و اگر نه از تقدیم و تأخیر هر یک احوط است **مسئله**
 هر یک را با تأخیر و دیگری بخی تکرار کند و نماز را اعاده کند **مسئله**
 اگر هم چون دانست که تشهد مقدم بوده است ایان کردی
 و بعد معلوم شد خلاف بوده احوط است که اعاده کنی
 بقیه است ترتیب حاصل شود و نماز را اعاده کن **مسئله**
 اگر موجب سجده سهو متعدد باشد باید با سجده و **مسئله**
 بجا بیاورد و ترتیب در سجده واجب است **مسئله**
 مرتب است سهو زنده و قنوت هم واجب است **مسئله**
 برای شک چهار رکعتی سلام بجا است **مسئله**

کند بر این سجده و بعد معلوم نشود آن را باقی بگذرد یا نه
چون عاده کرده که وقت آن خالی از قوه نیست و باقی نیست بعد از آن
سلام یا بعد از آن اجزاء منبسطه عمدتاً تاخیر سجده سهو و واجب است
که بدو وقت فایده عمل بیاورند و مساقفات عیش و وجوب سجده سهو
از آنها خارج بجا نیاید یعنی رکعت احتیاط و اجزاء منبسطه
مسئله و اگر فراموش کرد سجده سهو در هر وقت که خاطرش
سپاسد یا بعد بجا آورد و اگر تاخیر اندامد کند کار است لیکن نماز
از آن خارج است مسئله و اگر اجزاء منبسطه تاخیر بکنند
نماز از آن خارج است بجا نیاید و در هر طرف عیش و وجوب تاخیر آن
بسیار است بجا هر وقت که بعد از آن عین آمده که منافی بجا نیاید
نماز مسئله و در سجده سهو بعد از آن تکبیر گفتنی
است اگر چه در بعضی کتب صحیح است چیزی که استیکه واجب است
در سجده نماز است از حدیث که شرط است قطعاً
و در هر یک که باقی خالی از قوه نیست و در سجده سهو و در سجده
و در سجده سهو و در سجده سهو و در سجده سهو و در سجده سهو

گفتند شهادتین تمام و صلوات و السلام علیکم حمد الله
و در طاقه کفایت میکنند فصل در تیمم است
مسئله تیمم احوط است که بجز آب تیمم را تمام کند
بعد از آن بجز تیمم پشت دست ها را مسح کنند
و اگر دو تیمم بکنند یکی به یک ضرب یکی بدو ضرب یکی
ان برای پیشینانی و یکی از برای دست ها نیز خوب است
لیکن در نماز بشهره و اشتغال است لیکن در تیمم اول
اسهل است مسئله هر گاه شستن یک دستش عاقل
باشد برای تیمم معین بکند بجای دست عاقل اگر تواند
که با عانت غیر تیمم بدستهای خود بکند و اگر بکند دست
نداشته باشد احوط است شستن تیمم به عاقل است
باید دست و تیمم بضمیمه دست غیر احوط است
بقیاء ذراع تیمم بضمیمه ذراع است مسئله هر گاه سبب
وضو یا تیمم از خاک و نحو آن ممکن نشود حتی بر روی

باید که غسل با وضو و شستن با برف شسته کند صورت
 و صورت را با وضو شست که یک تیمم بر روی بکند و نماز نکند
 و بعد قضا کند نماز را **مسئله** تیمم بر شستن چیز متوالی که
 خاک ریزه بین و رمل و سنگ و عبا و کل اما تا خاک ممکن بشود
 باید برخاک تیمم کرد و بعد رمل و بعد سنگ
 و بعد عبا و آنچه هست اگر کتبی نماند آن را خشک
 کند و بعد بکشد و آنچه باقی است و باید آنچه تیمم بر آن مسکونی
 نجس و عصبی و صاف نباشد و حایل سیاه آن چیز دوست
 و پلیسی نباشد و خود بها شتر باشد با قدرت و با نیت
 باشد تا آخر و به ترتیب سوالات باشد و پیش از وقت
 نباشد و در وقت هم با صید بوظرفشیدن عذرا
 نباشد و هر دو دست با هم باید زد و آب بند با هم کشند
 و وضو و ما سه تیمم پاک باشد و مکان عصبی نباشد

مسئله شستن با تیمم بود که مرتب بشود **مسئله** هر جا و بداند که تا آخر
 وقت اگر صبر کند عذر شستن بر طرف بشود با نیت که بعد از آن
 مرغ عذر وضو بسیار و یا غسل کند **مسئله** طه تیمم باید
 مسح سه مرتبه شود که صبه و جنبین و احوط مسح واجب است
 نیز و ظاهر کیفیت است بیاطمینان **مسئله** شستن جنب
 یا مایفی که تکلیفش تیمم است هر جا تیمم بکند از پاره
 نماز شده بکشد در مسجد میتواند زد و اگر احوط در آنجا
 توکست چیزهای که بجا حرام بود صباغ و شوره و سوره های
 سجده احوط و ادوی توک خواندن آنها است **مسئله**
 سنگ آهک پیش از پنج تن تیمم بر آن جای است
 و سنگ گچ مثل سنگ آهک است **مسئله** هر جا شستن
 در بین تیمم یا وضو **مسئله** شستن در آنجا که بداند که این
 وجه شستن است یا وسواس است اعتنا نکند بجز
 وصل و غسل است **مسئله** هر جا که شستن

بر روی باشد و بر طوطی از خود به بلیندگی از آن چه پاره
 علم است و در آن باشد که جهندگی و شهوت و مستی بد
 و بوی شکر و خرم است و علم به نبودن باقی مرندانه
 غسل کند لیکن اگر همین بوی تنها باشد و بلکه در جمیع صورت
 انفرادی است باید احتیاطاً غسل بکند و توکلتاً
 بشود غسل بکند و بشکند و وضو بسیارند و اما مرضی و زنی
 کافی است شهوت و مستی در آنچه بیرون بیاید مسئله
 هرگاه شخصی در غایت خود به بلیند و نداند که جنب شده
 غسل کند و عاده یا قضا کند تا زمانی که یقین دارد با قضا
 شده و بجز با آنچه احتمال میدهد که با قضا بت بوده احتیاطاً
 عاده یا قضا کند مسئله هرگاه شخصی بر طوطی و طابره
 خرد به بلیند و یقین کند که ضعیف است غسل کند و اگر
 کند و با علم به بی فایده است و نداند که بلیندگی از آن غسل بود

یا بعد از آن غسل شده احتیاطاً غسل کند و بشکند بنا بر هر
 و ادنی وضو بسیارند از برای عبادت مسئله
 و اهل و موطوء حیوان احتیاطاً غسل کند بنا بر قوی
 و موطوء و اهل میت غسل بدار و احتیاطاً بنا بر قوی
 در غسل بیرون از آب بودن و عورت بجهت شستن
 شتر و صحت غسل بدیت اگر چه از طوطی مسئله
 هرگاه دندان با گوشت کتده شود مستی آن مستی است
 غسل میشود و غسل و وضو لازم ندارد بخلاف اعضاء
 دیگر که آن آدسی جدا شود مسئله هرگاه روی زخم
 یا چهره را نتوان مسح کرد حتی بگذاشتن خیر بر روی
 غسل یا وضو بسیارند و هر قدر که میتوان از اهل افشاست
 بنا بر احتیاط و تیمم هم بکند مسئله سوی نامزد در بدن
 احتیاطاً چهره غسل بشود و اگر بعد از آن غسل مستلزم شود

که اگر پیش از آنکه غسل کرده احتیاطاً غسل را اعاده کند مسئله
 هرگاه که پیش از آنکه غسل یا وضو را شخصی نجس صید انگشت
 در بعد از آنکه وضو یا غسل شست دارد که آنرا کرده یا نه وضو
 و غسل اشک صحیح است و آن برای بعد بظاهر کند آن وضو را با هر
 قطره ای که معلوم در آن است که ملوث شده بوطوبت آن نریزید و در
 آن وقت که در آن وقت وضو و غسل را اعاده کند و اگر غایب هم
 کرده تا این که از آن وقت اعاده کند مسئله هرگاه که شخصی
 نیکت از وقت غسل کند بقصد واجب خواه عالم باشد
 بوقت نماز یا هر چه باشد یا مشرک بوقت احتیاطاً اعاده
 غسل و نماز است اگر نماز او زوده باشد نماز را مسئله
 آب حوض یا خزینه که در آنجا استنجی کنند آنرا غسل استنجی
 غسل استنجی و استنجی حرام و سه در ابوی مسئله در وضو
 و غسل وضو است هر چه در آن است و در آن است

اما این حرفی بحسب متعارف بعید است مسئله
 بعبص یعنی بکفران آب بعبص است مسئله
 و عنید اند که کدام مباح است با هیچ یک وضو و غسل
 نمیتوان کرد اما اگر آنرا نه نجاست کند با وضو بیشتر و کمتر
 کامل است و ضامنست قیمة آن که در آن یک استیصال است
 ضمان معلوم نیست اگر چه خوب است که احتیاطاً هر چه را
 بر آن الذمه کند و اگر مشتبیه بمغایف باشد هر دو در استعمال
 کند یعنی دو وضو بسیار و اگر مشتبیه نجس باشد وضو
 و غسل اصلاً آن استیصال نمیتواند اما اگر یکی از این
 دو آب مشتبیه بجای وضو نجس نمیکند فصل در احکام
 وضو است مسئله هرگاه که وضو در وضو وضو یا غسل
 وضو بیاید باشد باید شست جهت وضو و غسل
 مسئله چرت زدن یا خن و واجب است بر آنکه آن
 چیزی که با وضو یا غسل است که وضو یا غسل است

وقت وضو بسیار در بنا و قضاء کردن نماز در بندیت
 قریب بسیار در بندیت بودت بر طهارت مسئله هر گاه
 شخصی متعطل بر کوشش میچکد از برای هر غازی ضرر بسیار
 در تعجیل بشعور نماز نشود و واجبست حفظ کند خود را چیزی
 مثل کتبه که تجاوز نکند بول از آن آن کتبه جای دیگر از آن
 برای هر غازی بد کردن آن لایزم نیست اگر چه احوط
 است برای احتیاط ترک نشود و هر گاه در وقت معینی
 قطع بشود بر نفس نمازها در آن وقت بجا آورده و اگر اقل
 واجب نماز ممکن شود و سراد آن اقل واجب نماز نیست
 که افضل آن موجب تحقیقات شده باشند لیکن آن کند با قتل
 واجب و بعد لیکن آن دیگر کند احتیاط و هر جا که بول خان
 شود وضو بسیار در نمازها بجا بکند و تمام کند اگر عسر و حرج
 نشود و تعد هم لیکن آن دیگر بکند بکند وضو در جمیع
 است ملبوس و در این حکم است مسئله آنکه نکند

داخل آن کنند مثل آب شسته است مستوان فرج حد
 و خبث هر دو بات کرد ما و امید از اطراف بیرون زد
 مسئله غسل جنابت کفایت آن غسل است
 میکند نه بقیه مگر با قصد داخل باشد بلکه هر چند
 که بدانند که اقصا این شستن تا چنین است قصد حصول
 متقنی داشته باشی نیز علی الاحوط کفایت میکند و اگر
 ندانند کفایت نمیکند مسئله هر گاه بجهت معالجه مرضی
 مسئله درانی مثل کیترا و خوات شخصی بر سر انداخته باشند
 و چند روز نهم باید باشند مسح بر روی آن نکند در
 و غسل قوی تیجی بر روی آن مسح کند اما بعد از آن فرستند
 اعاده کند غسل و وضو را از برای نماز بعد علی الاحوط
 و نمازهای گذشتند این صحیح است مسئله
 بعد از وضو یا غسل طریقتی مشیت بشیند و شکر از
 است که بسیار از آن ضعیف یا بول کرد در این مطلقا نجس است

و ناقص وضو غسلت مسئله هرگاه حدث
 بشکند اگر چه وضو ساخت باینه حدثت و اگر با وضو
 بود و حدث بشکند امر در که حدث سرزده باینه با وضو است
 و اگر یقین در وضو و حدث هر دو دارد و شاکت
 در تطهیر هر یک دارد حدثت مسئله وضو
 که اینها برای رفع حدث باشند مثل زیارت و تلهوت
 قرآن و بودن با اظهارت و غیر اینها نماز صیوان کرد
 بآن وضو چه واجب و چه سنت مسئله هرگاه درین
 غسل حدث اگر سرزند غسل تمام کند و وضو بسیار
 از برای عبادت و احتیاط اعماده غسل استقبل از وضو
 این احتیاط نوزت است و مسئله هرگاه شخصی تمام قصد
 دادن اجرت عمامی را بقسم متعاقب ندارد و علم بوضو
 بودن از علمند امر و وضو کند غسلش باطلت این

باید که در وضو
 با وضو
 باشد

بعد علم او را تراخی کند مسئله جبیره در وضو مسئله
 وضع اینست بجا بر طوبت دست باید مسخ کرد ظاهر اینست
 غسل که لازم نیست بر طوبت دست باشد بلکه بیشتر در دست
 مثل جرفه صحیح بوات کشد و میشود بآب آ جدید بماله مسئله
 خون مرقوع و جروحی که نتوان شست اهل اضطرار با کتبت
 بجهت وضو با عین بشوید و چیزی پاک بجز روی آن بکند این یعنی
 بجز روی اطراف و حکم خود جرح و قرصه پناک است که کتبت است
 اگر هم ای بجز روی آن باشند که نتوان بجز داشت و نقلها
 مخوف مسخ بجز روی آن دو میکند اگر ظاهر باشد و الا بجز
 خرقه طهری بجز روی آن بکند این و در این صورت در صورت
 دلالت نشانی که احتیاط در او غسل اطراف و کتبت خرقه
 است و مسخ بوات است احتیاط نماید بقسم تیمم بکند
 و غان کند مسئله آب تا سینه تخفیف باشد شسته نیست
 غسل بکند و زایر آب را بر سر ریخت میکند در غسل

هرگاه شستن با کف دست
 پس آن وضو را به نیت نذر واجب لبان در نماز واجب
 بعد از آن دیگر با آن وضو می تواند کرد **مسئله** هرگاه شستن
 نمیدانست که قدری باطن دماغ را بجهت مقدمه باید شست
 در وقت گذاشتن می نماید اندک شست شده یا نه وضو و عبادت
 گذاشتن صحیح است **مسئله** هرگاه در طهارت کف
 دست کفایت نکند مسح از موضع دیگر بگرد و طهر تبرأ و مسح
 کند و از مسح کردن وضو لازم نیست اگر تقصیر در حدیث
 کردن نه باشد **مسئله** پیش از وقت وضو گرفتن
 اگر تا پیش از وقت باشد که اگر تا آخر کند نماز در اول وقت
 پیش از وقت بپوشد و اگر صبر کند و بعد از دخول وقت وضو
 بگیرد وضو او حط است **مسئله** هرگاه شستن سر را با آب
 وضو بسیار از جهت تقصیر آسان است **مسئله** اگر کسی
 لبان و شستن آن باید بعد از شستن با کف دست

ان سه بجز آن بشود زیاد کند تا برافشند **مسئله**
 خون بواسیر اگر مشقت در نظرش باشد غمی است
 مثل قروح جروح **مسئله** شستن بعد از وضو یا غسل
 مانعی در بردن خود دید و شست و اگر در پیش برود
 یا بعد مشکل است بآن وضو و غسل اگر تکلیف کند نماز
 حاصل کند که بعد شده **مسئله** یقین در وقت وضو
 و شست در تقسیم هر یک اگر پیش از نماز است
 وضو لبان در آن در بین نماز است قطع کند وضو
 لبان در بعد از نماز نماز گذاشته اش صحیح است
 از برای نماز بعد وضو لبان **مسئله** در نجاسات
مسئله عدد و نجاسات دو مانده است بر دو غلط
 هرگاه که خون چیده داشته باشد و خون و حیوانیت
 از حیوانی خون چیده داشته باشد و سنگ و خوراک
 صحرا نموده در میان و شستن آن با آب اگر در پیش آمده

مسکرات ملک که بکلی تبخیر البست و فقاع و غیره جالبه حکم
 و عرفه و غیره و او را احتیاج از عرف هر حیوان قدر است
 فصل در نجاسات و معجزات یا نفوذ چیزی است آب زمین و آفتاب
 و استحاله و انتقال و انقارب و اسلام و بوجوه فساد شدن
 نجاسات از بدن حیوان با احتمال هلاکت بنا بر احتیاج و بوجوه
 فساد شدن نجاسات از بنا علی ستمان و گذاشتن خون صدمج حیوان
 و انقصال عسله و یا بقبراء حلال و سنک و کهنه استنجاء
 و غیره که در عابیه است ستم با احتمال تقهر با علمش نجاست
 و استحالی و غیره یا بقبراء حلال و سنک و کهنه استنجاء
 و غیره که در عابیه است ستم با احتمال تقهر با علمش نجاست
 فصل در نجاسات مسئله
 اگر چه نجاست نجس باشد اگر چه نجس باشد اگر چه ظاهر
 یا شرط است آن ملاقات کند آنچه ظاهر بسبب ملاقات
 نجس میشود مسئله لباس نجس بعد از تقهر نشو اگر
 خمر و ده اشنان و مخوات در آن مانده باشد یا کست

کند که آب نجس در صورت آن مرصفته باشد ظاهر نشو
 پاک و جوشن نجس است اگر خمیده باشد بخوبی که بفرود
 خابره مشرفه شود مسئله لباس نجس هرگاه در کمال تقهر
 کند و حلیات با و داشت باشد طاهر است و اگر با حکم اظهار
 منحل است مسئله آب که در یک صدق باء نمیکند
 در حال جوشیدن از چشمها لیش اگر نجاست آن برسد
 نجس میشود و الا نجس میشود اگر کس بنا شده اما اگر کس نشو
 در کسی که آب از آن جوشیده باشد و فرو بران شود
 پاک میشود علی الاطلاق مسئله هرگاه در نجس نجس است آب
 قلیل بر آن جاری شود همچنین آب که شست از آن است
 در وقت نانی پاک است اگر چه نجس باشد از موضع دیگر
 آنگشت شده کذا نجس است مسئله اگر نجس در نجس
 که حدق یکی واحد کند لیس از عسله نجس میشود یعنی آب
 بدون نجس با آن میشود اما اگر از آن نجس است ان موضع
 کس با آن نجس است

جنین عینش در احتیاط در مرتبه بشوید **مسئله** عسائره
منفصله از محل نجاست نجس است در مرتبه اول و در
مرتبه ثانی احوط بلکه اقوی احتیاط است مگر عسائره استیجا
با سینه و پیشانی **مسئله** از عرف جنب از وطی نجافین و
نحو آن احوط احتیاط است **مسئله** فضل طلیور هر ماه
دستک داشته باشی که از حرام گوشت باطلال گوشت است
پاکست و فضل شبیره نجس است **مسئله** ناخن مشده
سینه بر آن غرزد و خون در زیر پیشانی روده بعد فرجه بهم
رسید اگر خون استعمال شده است پاکست و اگر صدق
خون میکند نجس است و هم چنین است غیر ناخن **مسئله**
هر گاه غذائی پای دندان باشد و از دهان خون بیاید و
پای غذا برسد با دهان پاک میشود و با احتیاط نجس
اگر خون پای نجسند پاکست نجس هم نشده **مسئله**
صنای نجس هر گاه لبر بپسندند از جزای نجسها پاکند

بجای از نشستن در بر نیت که بعضی از اجزای قاعیل طهارت
باشند با حفوی ظاهر آن و بعد از آن قیام رکعتی پاکست
مسئله زینت بانها و غیره تا علم نجسندت آنند
پاکست و در صورت نزدیک بعم احوط احتیاط است
مسئله خون مشبه بنجس پاکست **مسئله** اگر در اثر
در خون باشد که آبش بکشد و مسرک شود نجس است
نجس عینش و در هر گاه خرمای نامرس نجسند و در هر
نداره **مسئله** زینت یا در لای یا خرمی یا لای نجس
نجس یا سینه با طریقت سرایت کنند و در لای نجس
شود و بر آنجا بنشینند مشه و صاحب خانه لازم نیست
که او را اعلام کند **مسئله** نجس طعام نجسند
و نجس بر نشینند و بر آن دید و احتیاط است و لای
اعلام کنند لای نجس نجسند و لای نجس نجسند

با آستانه دارند اسلام کنند هر چه نجس است قیاح کنند
 مسئله پنجمه در نجس آن که خوف از بدن میخورند هرگاه
 او را بکشته اگر خوف از نجس است و پاکست و اگر
 نجس است مسئله ششمه حرام است نجس کردن مسجد و در وقت
 آن و طاهر کردنش با قدرت واجبیت و طرف بیرون
 از دیوار مسجد نیز حکم مسجد دارد بنا بر احوط مسئله آیه
 حکم آیه دارد و نجس نشدن بملاقات نجاست
 اگر چه کمتر از آنکه باشد مسئله هفدهم هرگاه قیاح کرد شخص لباس
 متنجس را بعد دید عین نجاست باقی مانده در آن
 هر جا که علم دارد که عساره با عرض مرسیه است نجس است
 و باقی دیگر پاکست مسئله هشتمه نمودن آن هرگاه
 قیاح متری شده باشد بعد از آن ابی آن نباید
 پاکست مسئله نهمه عساره نجس هرگاه بجای دیگر برسد

دو مرتبه یا سه مرتبه شستن با نام است واجب و اگر کمتر قیاح
 میکنند و هم چنین است عساره بعد از آنکه جایز بود
 مسئله دهم آب اگر در آن آب جوش نیاید و در آن قیاح باید
 پاکست اگر بعد در صلح جوشن آید نجس نیست و در هر دو آب قیاح
 جوشن آید و با آستانه نشانی شود پاکست احوط نجس است
 و این احتیاط ترک نشود مسئله یازدهم متنجس نجس و شستن آن
 هرگاه آب بکشند و گذاشت شود دیگر قابل قیاح نیست مگر طاهر
 آن بعد از شستن مسئله شانزدهم هرگاه نجس شود اگر
 صدهب داشت باشند دور نیست که پاک شود آب
 قیاح مسئله هیجدهم نجس هر جا که بلبوس در آن آتش او پیشین
 از فروغال شدن احتیاط کند بنا بر احتیاط و هم چنین از
 فروغال شدن اما خاکسترش پاکست مسئله بیستم شستن
 هرگاه سرایت در میان جماعت کرده باشند از آن برای آن

عشر صحیح باشد بر شخصیکه بداند یا باعث شده باشد
لازم نیست اعلام کند و قهرا ^{باید} آنها مگر او که یقین کند
و ممکن باشد قهرا ^{باید} قهرا کند مراد درین عهد خرواب نیست
بلکه ملاقی مستحب محصور حکوم به نجاست نیست ^{مسئله}
آب قلیل در درجه اول شده می رود اگر شبیه به تسنیم یعنی آن بالا
به پایین بر سختی نیست نجاست بوقوتش سرایت ^{نمی} کند
و الا طهر ^{مسئله} و سین ^{مسئله} کل بعضی اوقات نجس و بعضی
اما آن پاک ^{مسئله} نجس مراد نجس مرطوبت نجس او است
که در به پایش پاکست مگر او که علم نجاست آن مرطوبت ^{سازد}
^{مسئله} اند و طرف یکی سمره و یکی سیره شده بود است
و مخلوط کرده پس فضلا مرش ^{مسئله} و بدو عنید است
که آنکه آنچه بود ^{مسئله} در او ^{مسئله} ^{مسئله} هرگاه
اما بدن کتده مشهور ^{مسئله} آن با مرطوبت باشد

یا چه است ^{مسئله} روح از بدن کتده شود اگر چه الحیم از بدن آن
به بدن بوسه نجس نیست ^{مسئله} هرگاه چیزی را شخص
عامر بتکررت و نجس کرد بعد از این سید حد اگر نجس است
که عادت با مرطوبت استعمال میشود شده ^{مسئله} فرات باید اعلام
کند و الا مثل فرشتن واجب نیست و نجس اعلام کرد است
^{مسئله} دو دروغ نجس و مشکله ^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله}
نیست لیکن هرگاه مجتمع شود در آن ^{مسئله} ^{مسئله}
مشکل است ^{مسئله} هرگاه شده طعام نجس ^{مسئله}
خوردند و ممکن نیست قهرا اوضاع و اسباب ایشان
و نجس نیز بان مطلع است ^{مسئله} لازم نیست اعلام کند ^{مسئله}
و اگر عام هم شوند هر ^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله} آن دارند
و ممکن است قهرا ^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله}
نیست به اوضاع ^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله}
^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله} ^{مسئله}

در آب قلیل زنده احوط احتساب ازین آب قلیل است مسئله
 چاه هرگاه عجن شود بزرگ یا بوی یا زهره نجاست بکشید
 آب آن تا عجن بجز نشود پاک میشود اما ما شنبه چاه و اعضای
 آبکش با تسبیح پاک میشود اما در غیر صورت قیصر که احتیاط
 بعد و مذکور در اخبار باید کنید آنها با تسبیح پاک میشود
 مسئله احوط در استبراء حیوانات جلالت بعد از نزدال اسم
 جلالت که شستن آنقدر از مانی است که قراداد شامع
 است از جهت استبراء آن فصل در بعضی چیزهای که نجاست
 است آب بر آن بیاشند هرگاه چیزی بوسسد به اعضای
 سنگ اما تشییع نکند و غیره و کافر ظاهر است که اگر در زیر
 بابران باشد و هنوز بابران منقطع نشده باشد ظاهر
 باشد و تشییع در جاری در مواد امیکه متصل باشد ظاهر است
 هرگاه کسی زنده که با هر طریقت چیزی ملاقات کند که او مشغول
 ظاهر نباشد آب بیاشند بجز آن و اگر از هر طریقتی

ظاهر باشد مسئله شستن آن مسئله هرگاه دست
 به طریقت یا خنجر بوسسد به هر طریقت یا با اهل کتاب
 صحافه کند مستحب است که دست را بنجالت بیاورد و اگر
 بماله فصل در انزاله نجاسات مسئله و احسب
 انزاله نجاست از جا سه ریدن جهت تمایز و طواف را
 و از مشاهده و مساجد و ضرایح آنکه در آنها نماز خوانده اند
 و آنکه در ظروف جهت خوردن چیزی در آنها با هر طریقت غسل
 سجده نماز و غیره مسئله هرگاه چیزی طاهر بوسسد چیزی
 نجس یا متنجس با هر طریقت سرایت کنند عجن میشود
 قطعا مسئله و تشییع زمین نجس هر چه بوسسد نجس
 میشود مسئله نجاست تا آب میشود بعلم یا خبر و عواد
 بلکه یک عالم علی الاحوط یا خبر دادن انکسیر اعمال در تقویت
 از آب باشد اما لبشک و مظنه تا بپس عین و در نظنه

زود ملک بنجام احوط در او می احتیاج است ^{مسئله}
 شکی نیست که طاهر محض شود لکن با علم بتطهر آن یا خبر عدلین
 یا قول لایحکه در دست راست ^{مسئله} هرگاه چرخ چینی
 در میان بپسند چیزی طاهر مشتبه شده باشد با مرطوبت
 بحر کدام که ملاقات نماید فرزند او اما نماز کردن بجهت
 آنرا احتیاج نیست ^{مسئله} هرگاه ممکن شود غیر از آنها و هرگاه ممکن
 نشود غیر از آنها نماز کند با هر یک از آنها کفایت میکند
 که بگوید نماز کند در آنها بعد از آنکه شایسته باشد اثر
 عدو محض نیستی بلکه هرگاه آن هم ممکن نشود و عیانا
 نماز کند و در صورت عدم امکان از عیایین شدن
 با علی آن ها نماز کند ^{مسئله} هرگاه متنجس هرگاه متنجس
 لباس با آنند در مرتبه باید صنایع دهند علی الاحوط
 هر دو قبضه یکدست غالب آب بشویند بیرون از روی

در امر و با عیو و دفعه دریم بکند و نحو اولی از باب احتیاط است
 مگر بوی که در آب جاری یکدفعه صنایع کفایت میکند و در مرتبه
 هر جا که تعدد ضروری است باید معشوق و آب جداگانه حاصل شود
 تا تعدد تحقق شود ^{مسئله} هرگاه در زیر آب یا بیرون
 آب چیزهای نجس مثل فرش ^{مسئله} لکه برینند یا صنایع
 حساب میشود ^{مسئله} بدن در زیر آب که با جاری
 دو دفعه دست ببرد آن گذارد و در دو دستین
 حساب میشود اما با آب قلیل در هر دو دفعه باید صبر کند تا
 از مشرق بر غایت است ^{مسئله} هرگاه نجاست
 در عنقه ادری اما در عنقه نایب ادری احتیاط است لکن عیانا
 نجس غایب که تعدد نکرده است و نجاست دیگر نجس و سینه
 تغییر رنگ و بویزه نجاست بهم فرسوده و خوردن نجاست
 و بار میسوزد با کسب نجس با کسب نجس همان پاک شدن

از آن و چنانچه در این کتاب مذکور است باید شست و هم چنین چنانچه
غالباً بقسیمکه عنسالا اشن هجسن باشد و در مرتبه باید شست
مسئله فرافرا هگاه سست بطرف زبان خود هجسن کند
احوط آنست که اول خاک خشک باد و بعد از آن
دردی آب بر آن بویزد و بعد از آن آب با خالی
شست و در مرتبه چنانچه از وی آنست که بعد از خاک
شست و در مرتبه بشویند و اگر ظرفی باشد که خاک
ستوان بار مالید پاک میشود و عی الاحوط و هگاه خوک
بطرف زبان فرافرا هجسن کند کمتر از هجفت مرتبه اگر بشویند
پاک نمیشود و نجاست دیگر سه مرتبه با آب قلیل اگر چه
هر دو آب بر او بویزد و بگردانند و بویزد و هم چنین
سبب یعنی هم با ظرفهای بزرگ یا حوضی آب در اطراف
آن جاری کنند و در آن آب آنچه بماند در ظرف پاک

هر دو بویزد آورند و آفرات را بکشد پاک بگردانند و در دویم و سوم
همچنین کنند و اگر ته آن سوراخ باشد که هر دو عنسالا آن
بویزد رود تماماً یا بتوان فرافرا کج کرد و عنسالا را در نجاست
هر دو پاک میشود مسئله هگاه فرافرا آب هجسن آن
باشد آب کرب یا ماری بآن مزوج شود و بکشد فرافرا پاک میشود
اگر چه آب ماری هنوز نجس است که هم نویسد و احوط تعدد است
و هم چنین هگاه بدان بآن مزوج شود و بعد از آن بویزد
نرمین مصلب جریات حاصل شده باشد و باقی عی الاحوط
ظرف هجسن و هر چه فشار احتیاج ندارد جریات بارشند و او
پاک میشود بشرط بستن قعر در آنچه محتاج به قعر است
مسئله آنچه تعدد و فشار سنج خواهد با بویزد با روش بر آن
در فشار و تعدد پاک میشود و عی الاحوط مسئله
ظرفی که روی بندار و متصل بر قطار و سینه و پشت

اعظام از آن نجاست است
 هر طریقی یاب قلیل نشستن کفایت میکند احوط در اندرون فراوانست
 زمین نجس که آب با طهراق در آن نفوذ میکند بجز
 فرو کردن آب که یا جاری یا بارشش بقسم مذکور پاک میشود
 اما باقییل هرگاه صلب باشد زمین مثل سنگ و آجر در وقت
 برف و برف غشلا آن ببرد یا با کرمش پاک شده بگردند پاک میشود
 و اگر زمین رطوبت باشد مثل گل پاک میشود مسئله کثرت
 و در هر چه هرگاه ظاهر آن نجس بشوند بدو شدت پاک
 میشود اگر چه باقی باشد مسئله فزونی در دست هرگاه مسئله
 بجز در وقت نشستن باشد یعنی عیناً که مانع باشد از رسیدن
 آب آن چیز بمانند بجز در وقت نشستن آب آن چیز بپسند پاک
 میشود و اگر در وقت نشستن است از روی نجاست چیزی بشود پاک
 میشود بجز در وقت نشستن اگر در آن آب که در آن نشستن
 میشود بجز در وقت نشستن اگر در آن آب که در آن نشستن

مسئله متنجسند عساده اشش صاف برون آید پاک
 میشود مگر در آنکه آب مطهرت برین باشد عساده اشش خود
 آید اگر در پاک میشود مگر رنگ نجاست باشد مثل خون
 که باین حالت پاک نمیشود مسئله چیزی که آب نجس در آن
 نفوذ کرده باشد باید خشک نماید آنرا یعنی در جائی که تعداد
 مجزا باشد بقیه دو دفعه آب که یا جاری در آن نفوذ کند بنا
 بر احتیاط و اگر آب در آن نفوذ نکند با طهراق پاک میشود
 مسئله هرگاه آلتی بگذارد چیزی نجس را پاک نمیکند مگر در آنکه
 خاکستر یا دردی یا نجس کند آنوقت پاکست و در آنکه برون
 زرع غل هم اشغال است مسئله هرگاه نجس تعلیف کند
 عساده را پاک میکند و اگر بجز نجس بود نجس پیدا کند
 باید احتیاط کند اینکه نجس پیدا کند از هر چیزی که علم دارد که پاکست
 به عساده نجس است و با عدم علم معاصرت با آن نجس ظاهر ندارد

مسئله هرگاه صورت شخف شده نجس باشد و فراموش
 کند آنرا آن را وضو بسیار بعد نجاستش بیاید هر جا که علام
 دارد که آنرا طوبت موضع نجس بان رسیده با موضع وضو نشود
 و وضو را عاده کند مسئله گوشت و دنبه مسئله که مرغ غنچه
 کفاحنت نشده باشد نجس شود پاک میشود بدو شدت آن اگر
 بآب قلیل هم باشد مسئله بود پسر شیرخواره که هفتون غذا خورد
 سنده و شیر خیز و دست و لایخ غزوه و نجاست دیگر بآن
 نرسیده برنجین آب بر آن پاک میشود لیکن بیکه وضو مستعمل است
 بلکه اعتبار تعدد اقلیت و هر دو جدا شدن عنایه اش
 احوط است مسئله خون کمی مسئله بدست باشد شخف
 عماله بوزن صین یا خیز زمین که خون آنرا بشود پاک نیست بلکه
 باید آب شست و هم چسبندت چیزهای صیقلی مثل شیشه
 مسئله اگر خون در آب گوشت که میجویند برپونند نجس

مسئله هر چند قلیل باشد و اما بآب وضو اگر خون را از آن پاک
 آنرا نکند پاک میشود مسئله آب خون یا آب که نجس
 نجس شده مثل خون متفونیت با نماز که آنرا مسئله
 ذره عرف اگر در آب کمتر از آن که بوسه دهند نجس میشود
 مسئله حتی مسئله نجس شده و کمی لعل بر آن باشد
 و در آب که یا جاری بودند که آب در آن لغو نکند در دست
 بنا بر احتیاط و مضامین نشود آن آب پاک میشود مسئله
 هر چه نعل یا نبات مسئله ظاهر آن نجس میشود پاک میشود
 اگر چه بآب قلیل بشویند مسئله آب اماله هر گاه بگرد
 و تغییر بونک و بوزنه نجاست نداشت باشد و حزنه
 نجاست در آن بنا شده نجس نیست پس ناقص و ضرر
 هم مخراهد بود مسئله دست غسل و هنده سیت
 بعد از غسل بالتمح پاکست مسئله هر چه چرب تر
 ناعنی باشد شخف آنرا نجاست کند دست

که پاک کنند آینه پاک بشود و نگر از آن یقین کند که آب نجس
 نفوذ کرده در آن چرت بواجب تقدیر پاک نمی اهد بود
 مسئله هر چیزی بجز آب در مرتبه باید شست علی الاحوط
 الاطراف که با آب تیل شده مرتبه باید شست و بول در آب
 جاری بمرتب کفایت میکنند مسئله بمرایه که در سیاه
 دارد هرگاه نجس شود باید بجز قسم که ممکن شود فاشا مردهند
 در دفعه اول بلکه کردن تا پاک شود مسئله کشش هر
 ظاهر آلت که سرخ کردن در روغن در وسط طعام گذاشتن
 عیب نداشته باشد و هم چنین است فرما در آتش و نجس
 آن خصوصاً اگر سیره آن بیرون بیاید و مسترک نشود اشکال
 است از جهت حلیت مسئله آب فرما در روشن آید بنا
 بر احتیاط تلشان که بشود پاک بشود و هم چنین هرگاه
 سرکه شود و هم آب بکنر بنا بر قوی مسئله غذای پای

و ندان هرگاه نجس شود و دفعه دهان را از آب پاک کنند
 و چیزی که آب مطبوع در آن نفوذ نمیکند یا محتاج به فاشا مردون است
 اشکال است مسئله آب هرگاه مزوج با آب نجس شود
 و اگر علی داشتند با در هر دو وجه تسنیم اگر تمام مزوج بود
 نشود تا قلی است مسئله زمینی نجس که آب آن را
 برد اگر تعدد باشد پاکست مسئله خون در دهان با آب
 دهان مسترک شود و در بدنش حرام نیست بلکه سفطه
 هم نیست احوط در روزی فرود نبرده است این احتیاط تر بشود
 مسئله غذا در دهان هرگاه خون مان بوسه فرود نشن حانی
 نیست مسئله چیزی تنجس در فرائض باشد آب تلیل بر آن بوزند
 و فاشا مردون هر چه است فرما که کنند شده و بیفشاند و غسل
 اش را جدا کنند و دیگر آب آن بوزند تا بسند و قوی چنین
 کنند پاک بشود حتی بویج در صورت عدم نفوذ آب نجس
 در آن در گوشت و با التبت استقرار آن برای بقا تابع مسترک

در نماز جماعت است
پاک عیون و حکم سبجیت ندارد مسئله چرت پاک و دنا
که چنین شود بپاک شدن و همین پاک نشود نه غذای که پای
و ندان باشند فصل در نماز جماعت مسئله هرگاه شخصی قضاء
بفرضی ندارد و میخواهد احتیاطاً بجا بیاورد جماعه مأموماً
میتواند اما ترک اقتدا در آن نماز احوط است مسئله
هرگاه مأموم تسبیحات اربع سه مرتبه باید بخواند و امام
یک مرتبه بخواند اقتدا با او نکند بنا بر احوط و اولی در کس امام سجد
بخواند قریباً الی الله اگر چه یک مرتبه را واجب ندانند اگر اقتدا کند
منهاند امر مسئله مأموم در رکعت چهارم سجد بفرمان
که در رکعت بیستم فرادی شده عجبه تا صلیه شدن
نمازش صحیح است احوط و اولی اعاده است مسئله
هرگاه شخصی نماز ظهر بشرا بعصر امام اقتدا کند بقصد احوط
و در دو رکعت آفرین فرادی نشود و نماز عصر صحیح با امام

قتدا کند ضرر ندارد مسئله هرگاه شخصی بیستاده
نشست دارد که قصد اقتدا کرده باینکه اگر ظاهر است
حال اقتدا مثل سکوت و غیره احتیاطاً انبیت که
با قصد فرادی کند و یا عدول به صحتی کند اگر قضاء
یقینی ندارد و تمام کند یا قطع کند مستحبی را پس از آن
اقتدا کند مسئله هرگاه مأموم پیش از امام سر از سجده
مراکع یا سجود بردارد و باینکه بر کس دو عمدتاً عجبه است
نمازش باطل است بقدر دور نیست بطریق اگر چه
سجود او زیادتر گن شود مسئله اگر کسی استیفاء
نماز است در صورتی که مراکع کند مأموم بقصد پیش از امام
در حالتیکه امام مشغول است باقی باشد و هم چنین اگر مأموم
پیش از خواندن ذکر مراکع عمدتاً سر از سجده بردارد و استیفاء
کند نماز مسئله سنن او امام نیست از برای مأموم در نماز
جهریه که صوت یا جهره امام را میشنود که سکوت و

قرائت کند بلکه اگر برای خود اینست که با طاعت باشد
 در حال قرائت تمام سوره شریف باشد اگر اقتضا
 کند همه را تمام نمیتواند کرد احوط است که صبر کند تا امام بخواند
 اگر در راه باشد و کسی را علم تکبیر بگوید و بگوید **سنة**
 سوره شریف در نماز نافله باشد که جماعت برپا بشود
 و اگر پیش از آن وقت بیک کس اول جماعت مستحب
 است از برای او قطع نافله هر چند پیش از آن تکبیر گفتن
 امام باشد **سنة** و در نماز تمام از صغیر بجز آن
 بعد از آنکه باطل شود و نماز دیگر نیز شایسته تقریباً
 نباشد **سنة** و اگر این قرائت امام بخواند قصد
 راوی کند **سنة** اما همه را از سر بگوید مقصد آنست
 که در نماز تمام با تمام سوره باشد **سنة** هرگاه امام
 پیش از آنکه همه را بخواند امام را بگوید که تمام است

بعضی بر آنند که اقتضا کند صبر کند تا امام تمام کند
 آنچه هر چه برسد بخواند بنا بر احوط **سنة** امام که پیش از
 نماز نشسته باشد با شد از آن برای نماز هر چه گفتند
 ندارد **سنة** سوره شریف در سنت که گفتند چندیم
 است اقتضا کرد و حمد و تسبیح و تکریم الحی الله عز وجل
 و رکعت تا پنجین نهند و حمد و تسبیح را خواند صبر کند
 اگر حمد تمام نشده بگویند برضت بعد از آنکه پیش از آن
 چهارم بوده احتیاطاً نماز را اعاده کند بعد از تمام **سنة**
 بجز حمد واحد یا غیره هرگاه بعد از آنکه حاصل شود
 در غلبت و بجز عدلین یا اقتضا کرد و در جماعت مسلمانین
 که آنها احوال ایشان با فریاد استی و سحر استی یا ایشان
 احوط و برین صورت اعتبار اطمینان است و در وقت
 احتمال دارد که بر اولیایان از عیالت فریاد باشد **سنة**

هرگاه کسی در نماز امام را باید بعد نماز شکر احتیاطاً اعاده
 کند از برای مأثومین با که نیت و اعدای کردن امام است
 یا هم لا ینیم نیت مسئله هرگاه امام رکوع نیت و ما ینیم
 در تسبیح اربع است زیاده از یک مرتبه آن قدر بخواند که تا
 امام رکوع است بوسند بنا بر احتیاط مسئله مأثوم
 در تسبیح رکوعش کرده حمد و تسبیح را امام که رکوع نیت
 در رکعت است متتابعت کند و احوط آنست که وقت
 آن تمام کند و حمد و تسبیح را بخواند مسئله مأثوم یا عذر
 رکعت ششم یا چهارم بخواند رکعت اول یا دوم حمد خواند
 در بین یا بعد بخواند آمله تسبیح خواند انبیا و سابق کند
 مسئله هرگاه مأثوم در رکعت ششم یا چهارم نماز است
 در تسبیحات اربع اگر وقت نمازش آمده که امام رکوع

نیت اگر میتواند یک مرتبه بخواند در رکوع با امام بوسند و اگر نرسد یا قصد
 فراموشی کند یا یک مرتبه بخواند در رکوع هر دو در سجده با امام بوسند و احتیاطاً
 نمازش را اعاده کند یا تسبیح بخواند و متتابعت کند و بعد احتیاطاً اعاده
 کند مسئله سابق است در رکعت اول تسبیح نماز جماعت
 رکعت حمد و تسبیح از مأثوم و هرگاه مأثوم باید حمد و تسبیح بخواند
 احتیاطاً بخواند اگر چه نماز جماعت باشد مسئله باید احتیاطاً
 جماعت بقرنیتیب تکبیر بگرسند خواه صفت اول باشد
 خواه غیر آن بقسمی که در نماز مأثوم پیش یا امام زیاده از یک تسبیح
 نباشند احتیاطاً در سابق تسبیح تکبیر است مسئله یا تسبیح
 نیت رکوع باشد چنانچه در آن وقت دست بالا بیاورند
 به نیت کردن لا محذورند امر مسئله هرگاه مأثوم در نماز
 چهارم هیچ صورت امام نرسد و در رکعت خود بخواند بقصد
 قرآن مطلقه بقصد هر نیت در آن تمام نکرده که امام رکوع هر دو
 در هم بود و اگر نمازش نرسد که چهارم باشد یا ششم آید بخواند هر چه بوسند

و اگر در این صورت ایستادگی صورت امام را بشنود و احوط آنست
 که همیشه صورت امام را شنوند نه جمله قیام قرآن کند و اگر صورت
 امام را بشنود و گوش کند و اگر نماز اخطا باشد و اگر بگوید و او
 اخطا کند آن الله کفایت است و قرآن خواندن مگر و هفت است
 نماز باطل است و اگر در وقت قطع کرد و در قضیه را جماعت است
 نمی بینند اگر در هر دو شخص فریضه را فرادی کرد میتوان تا بر سجده
 جماعت است ایستادگی بشرط آنکه قضاء یقینی مجزومند است
 باشد **مسئله** ما سوم در غیر رکعت اول نشستن هم چنان است
 اگر در رکعت اول نشسته باشد و امام از پشت نشسته خود را برگرداند و در سجده نماز
 بر نشسته اگر چه سجده دوم هم باشد در جماعت است و هر
 اول آن در حال صیام امام تکبیر بگوید و احوط درین صورت قصد
 فرادی است یا بعد از اتمام اعاده است **مسئله** اگر پیش
 از امام سگها اسلام و اجماع کفایت احوط آنست بعد از نماز
 باز بگوید و در سجده سهو و قرآن الله جایز است و اگر نماز

گفتند به قصد این فراد احتیاط نماز را اعاده کند **مسئله** هر چه در
 وارد شود که یک امام را تب و احوط است و در نماز باشد
 یا فارغ شده باشد و در قضیه باشد یا نشسته و قیامی فرادی
 نماز کند و نماز توسطاتی باشد با نماز ایشنان و در بقضاء و بلا کف
 هم باشد چه در با شکی و چه نوزد یک یک بحسب حال باشد
 عرفا چه پیشی با شکی از ایشنان چه عقب و چه با جد جانبداری
 ایشنان اذان و اقامه مگر که جایز نیست اگر چه امام جماعت یا
 هم نشناسی **مسئله** شخصی که نماز قضاء یقینی فرود
 داشته باشد نماز مستحبه را ترک کند بنا بر احوط و اگر در نماز
 و احوط باشد خواسته باشد عدول به مستحب کند در جماعت
 کند نمیتواند بنا بر احتیاط و در عدول بقضاء و غیر صورت
 نشیمن اشکال است **مسئله** نشستن امام
 و ما سوم اعتبارند از دیگر اول که ما سوم نشستن بخودی
 جزو کند مثل اول نشستن که من بگوید که در سجده یا در سجده

اعتبار دارد و نیت سجده دیگر بکنند و هم چنین در هر رکعتی از نماز
 حتی در رکعات **مسئله** امام در رکعت سیم **مسئله** حمد بخواند
 و در هر رکعت دو مرتبه باشد باید او حمد و سوره بخواند با صد
 در هر دو رکعت بتواند بخواند بدل بیاورد یا تکرار کند یا در هر
 بخواند بقاعده **مسئله** در محل خود **مسئله** مأموم شکر از سجده
 بود است دیده امام در سجده است متابعت کرد بعد
 معلوم باشد که سجده دریم امام بوده **مسئله** دیگر بخواند بعد از
 اتمام احتیاطاً نماز را اعاده کند **مسئله** مأموم شستن تکبیر احتیاطی
 پیش از تکبیر الاحرام امام میتواند گفت **مسئله** هرگاه شیخ
 دارد بر جماعت بوسه شستن نداند چه نماز است قضاء است
 یا ادوات **مسئله** یا احتیاطی است **مسئله** استند کند خود ندارد **مسئله**
 هرگاه شیخ نماز منقضی است **مسئله** استند کرد و در قیام شستن کرد
 که این رکعت سیم است یا چهارم صبر کند تا امام رکوع کرده

سجده نیت بر بجا بیاورد پس معلوم شود و صبر کند **مسئله**
 نماز آیات هر یک به دیگری استند استخوان کرد و لا ینام
 نیت که امام اعلام کند مأمومین را که چه نماز است و اما
 اگر بروج اول فرسید در رکعت برگردید صبر کند یا رکعت
 دیگر هرگاه امام بعضی سوره بنا داشت و فراموش کرده
 بخواند بروج رخصت است **مسئله** سنی بر احتیاط است و هر نماز
 خود رعیت مثل زنزه ماد الیه فرقی نیست باقی است و اهل آداب
 است و از برای هیئت اگر بجا بیاورد این نماز را نیت
 قریبه کفایت میکنند **مسئله** شیخ در رکوع اول
 شستن میکنند که امام رکوع بود در شستن نایب احتیاطی است
 شستن و با جماعت است **مسئله** طایل از برای اهل نماز
 است میان مردان و زنان خود ندارد **مسئله** شیخ
 عادل و ششام به بر منی بگردن است **مسئله** اما اگر توبه
 کند یا نماز اول است **مسئله** مأموم پیش از امام تکبیر گفت
 بعد تلقین شد یا عدول بقراوی کند یا عدول به شیخ

کند اگر قصد ببرد خود بخشد اند و قطع کند و تکبیرة الاحرام را بعد
 از امام بگوید و اگر نماز جماعت باطلست **مسئله** نماز جماعت مستحب
 است که استیجاب در جمیع نمازهای واجب و خودی نمازهای بر عینه
 و جماعت در جمیع نمازها واجبست مگر در نماز جمعه و عید و حج
 باینکه اگر در تکبیرة قرآنی صحیح نیست با قدرت یاد گرفتن
 آن **مسئله** با کسیست جماعت کردن نمازهای واجب
 در هر حال واجبست و بعد مستحبست مثل نماز عید و
 در تین نماز و نماز واجب که قضا کرده شود از غیر بوجوب
 یا نماز واجب که قضا کرده باشد و مستحبست مگر آنکه جماعت
 احتیاطی است **مسئله** نماز و تکبیر هر یک از آنهاست
 و تکبیر بگوید و نطق هم چنین است **مسئله** نماز
 در حال رکوع امام نرسیده است **مسئله** نماز
 کند و بعد اعاده کند **مسئله** اگر تکبیر باشد
 بوجوب رسیده باشد یا بر وجهی تکبیر بگوید که اگر نرسیده باشد
 نماز او صحیحست **مسئله** تا امام از سجده فارغ نشود

ها حبس شده باشد و نماز احتیاطی در شکیست **مسئله** اگر
 بنا بر احتیاط در رکوع امام و مأوم مشربک باشد و در شکیست
 رعایت نماز احتیاطی آن شکیست **مسئله** جماعت
مسئله بدو نفر بطلان جماعت منقذهست و در هر
 یک نفر میتواند اوستند ابلند و مرد بوقت نماز احتیاطی
مسئله هرگاه امام در رکوع او رکوع را تمام کرده باشد
 نماز او صحیحست و اگر در رکوع او تمام نکرده باشد
 یا نطقند و اگر نرسیده باشد نماز او باطل است
 احتیاطی متابعت کند و رکعت دیگر صحیحست
 و تکبیر بگوید و نطق هم چنین است **مسئله** نماز
 در حال رکوع امام نرسیده است **مسئله** نماز
 کند و بعد اعاده کند **مسئله** اگر تکبیر باشد
 بوجوب رسیده باشد یا بر وجهی تکبیر بگوید که اگر نرسیده باشد
 نماز او صحیحست **مسئله** تا امام از سجده فارغ نشود

بجز در وقت اول و در نماز جماعت **مسئله** باید طهفت
 آورد تا مؤمنین امام را ببینند و اگر مؤمنین مایل باشند خود
 بخوانند و در هر ایوب باید نصف پیش خود را ببینند بنا بر احتیاط
 و اگر همان نصف خود را ببینند کفایت نمیکند بنا بر احتیاط
 باید در هر حال نماز با مضمی اگر بخوانند یا ببینند بگردد که
 نماز ایشان بر و باشد مایل بر پیش خودند **مسئله** اگر مایل
 بخوانند باید که دیده شود خودند اما اگر شیه باشد احوط
 احتیاط است **مسئله** اگر در بین نماز مایل بهم رسد و مانند
 نماز غیر اعتنا باطلست و اگر بگذرد مثل حیوان یا آدمی خود
 ندانند **مسئله** باید ای ایستادند امام زیاد از یکیش **مسئله**
 نسبت فی ایستادند بنا بر احتیاط و اما سر شیه در ای
 با ایستادند فی وقت ایستادند ایستادند ایستادند امام
 خودند **مسئله** ای ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند

طرا ایام یا ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند
 احوط است که از جای ایستادند امام تا پای سجده مأثوم
 بیشتر از یکدفعه بشاه چنانچه مایل بنا شد و چنین بدین
 صفوف مأثوم و اگر در بین نماز مایل باشد و زیاد از **مسئله**
 سد که قصد فرادی کند بنا بر احوط **مسئله** وقتی که فرادی
 شدند دیگر عددی مجامعت **مسئله** ای ایستادند ایستادند ایستادند
 ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند
 نسبت فی ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند
 شخصی در جماعت اگر قصد استند کنند و حمد و سوره بخوانند
 یا سکوت طویل نمیشود نماز نشین باطلست **مسئله** اگر چه شرط است نماز
 جماعت کردن بنا شد **مسئله** ای ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند
 عادل واحد استند اگر در نماز ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند
 ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند
 ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند
 ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند ایستادند

یا حسن خاطر مشن منقلب حاصل کنی که حالتی در او است که
 منع میکنند از ترک بشتن به کنه کبیره و با اعتنائی
 در زمین نماند یا از آنکه در عیال او بد کند و منقلب
 کنی یا جمعی معتبرین در زمین با او استند کنند و در اکتفاء کرد
 بمقتضی بدون حصول و مشورت استعال است یا علم بعد
 اش حاصل کنی استند کنی **مسئله** اگر اقتضا با امام حاضر کردی
 که عادل سید السننی و بعد معلوم شد که او بد منقول تو بود غیر
 او است اما این هم عادل است نماز صحیح است و اگر به شخص
 معیبت با اسم اقتضا کردی بکمان او بد حاضر است بعد معلوم
 شد که غیر او است اگر چه او هم عادل بدان نمازت باطلست
 اگر چه در بین نماز هم باشی **مسئله** اگر در بین نماز عذری از برای
 امام بر او رسد ما موم باقی نماز سنن عدول با امام دیگری میتواند
 کرد بنا بر اقوی **مسئله** جایز است از برای ما موم در حال
 اختیار عدول به فرادی کنند اگر چه در اول هم مقصدش

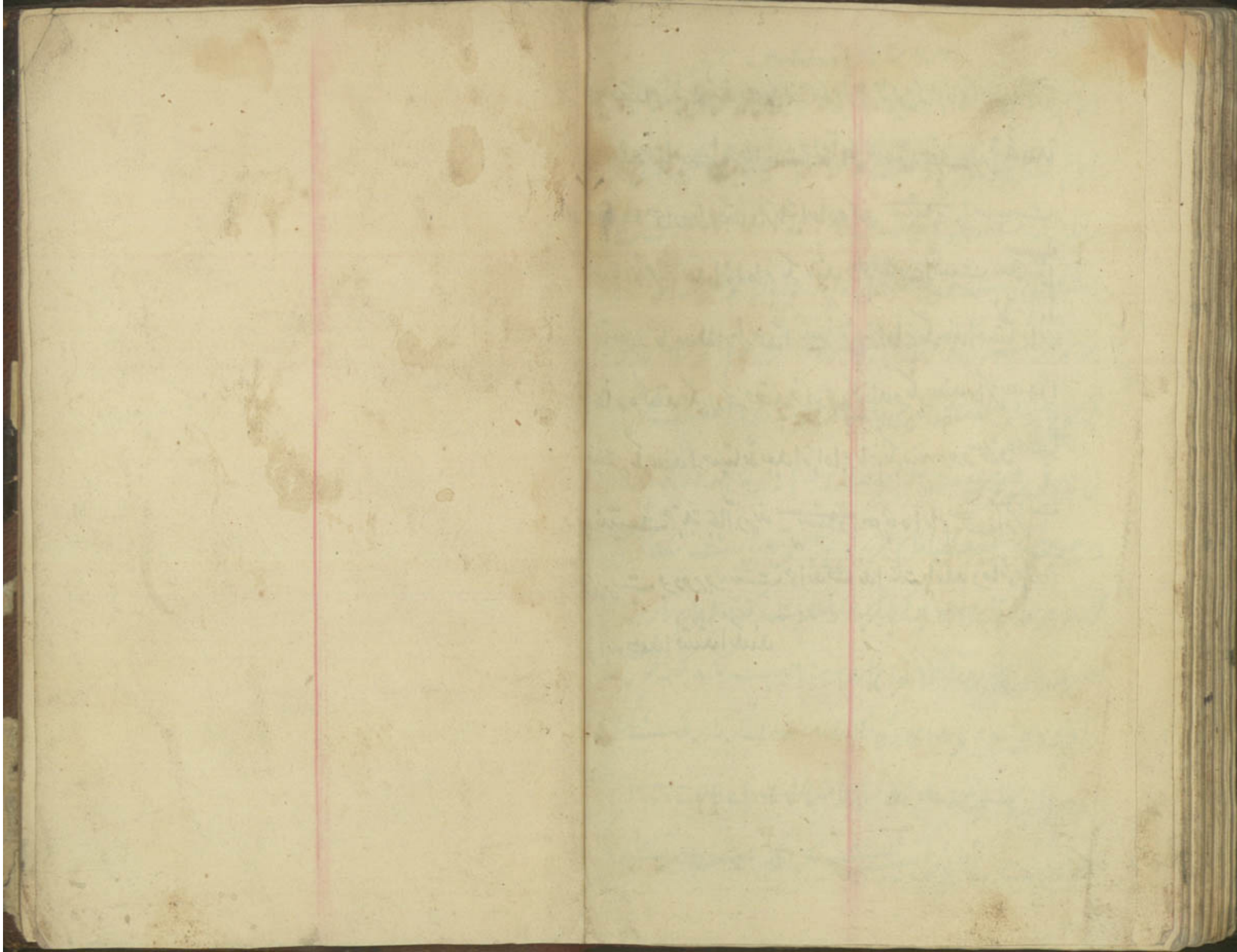
در وقت رکعت اول یعنی آنکه **مسئله** از نماز مومین سبقت
 حمد و سوره و هر رکعت اول و دوم حضور مایه و صلوات جهریه در وقت
 ایام را بشنوند بی اگر نشنوند اصله به نیت قرینه سلفه
 محض آنکه حمد و سوره را در آنجا شنیده و خوانده اند و اگر صلوات
 اخفای باشد مستحب است بدگری مستعمل شوند مثل حاجت
 الله و الحمد لله و صلوات و اول تسبیح است **مسئله** اگر امام
 در قنوت باشد که ما موم تکبیر بگوید **مسئله** مستحب است
 کند بخواندن قنوت لیکن نه بقصد جزئت و هم چنین
 در تشهد هم متابعت کند اما نشستن سجده در طاعت
 و در رکعت دوم خود سنن قرائت را اخفات کند اگر چه
 صلوات جهریه هم باشد و در رکعت آخر امام اختیار دارند
 سینه اهد متابعت تا سلام و اخیسند و اگر سینه اهد
 سر از سجده که بروا شد **مسئله** در نماز ستر تمام کند **مسئله**
 بلای نیت عمد آتی هم افعال نماز خود را بر افعال نماز

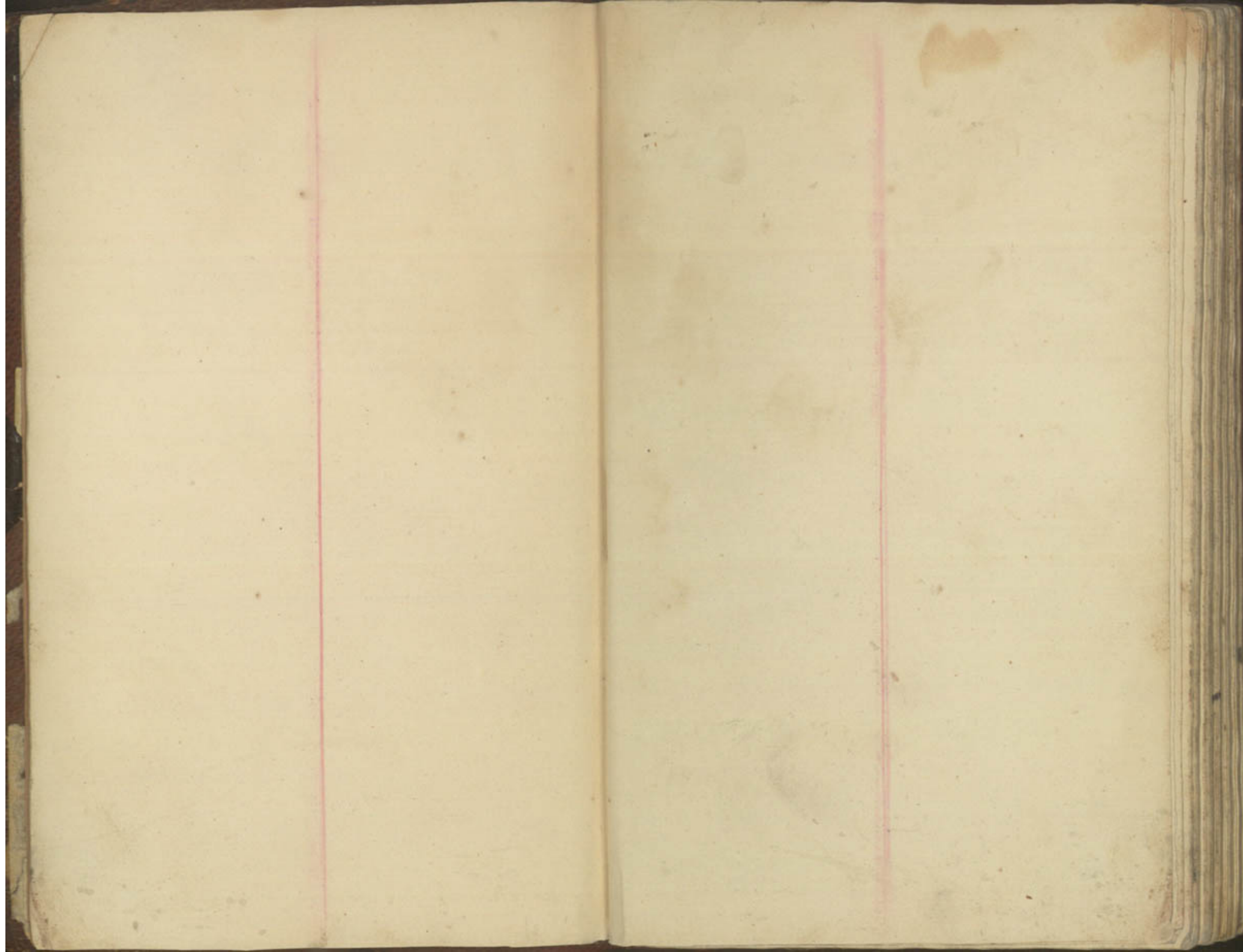
در نماز جماعت

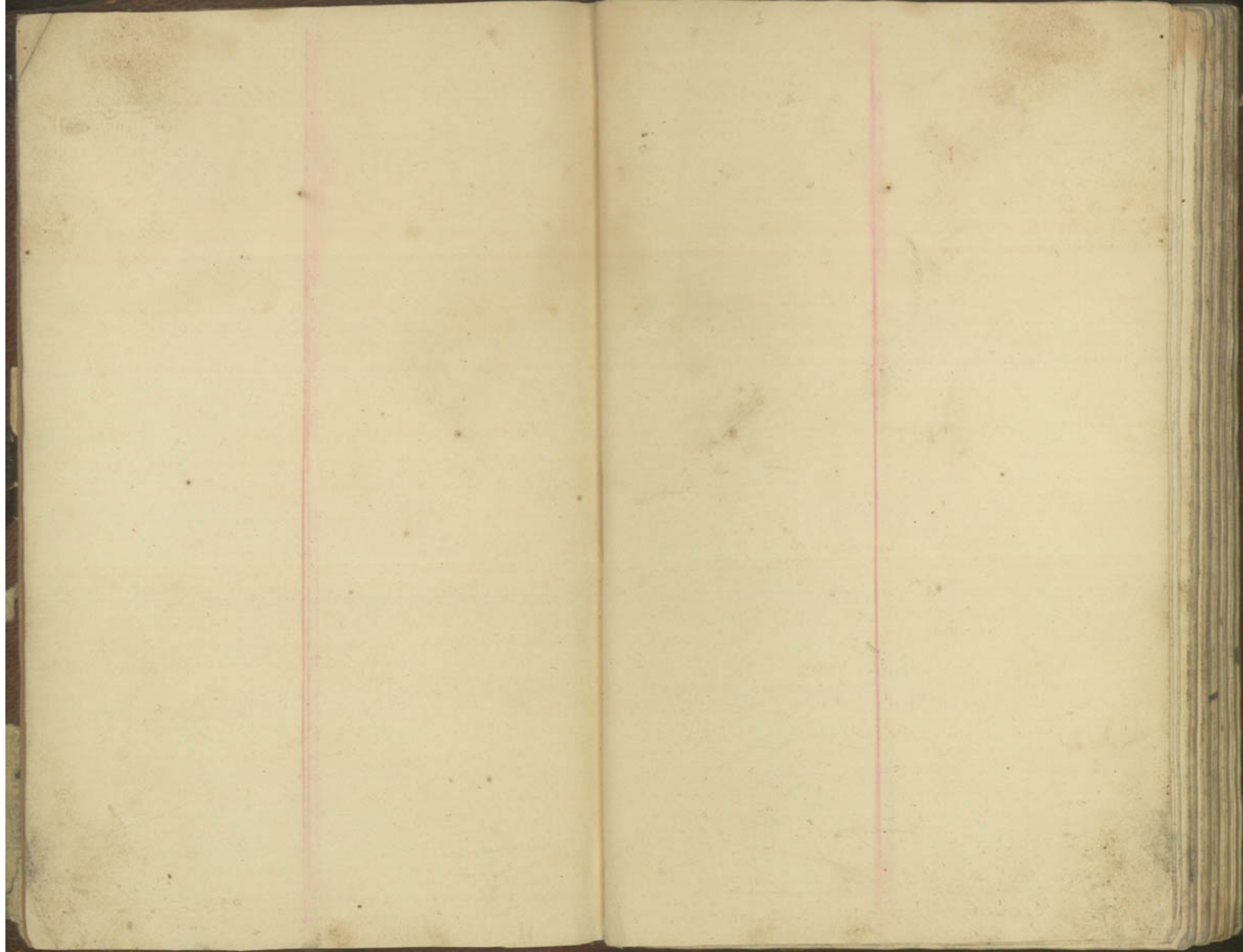
امام چنانچه باین کیفیت تأخیر افعال نماز خود امر افعال نماز
امام عمدتاً تأخیر فاعشن و اگر عمدتاً چنین کرد گزینۀ نماز است
و نماز کردن او با جماعت با تقدم عمدتاً و تأخیر فاعشن محل
اشکال است و احوط انفراد است و احوط از آن اعاده
نماز است و اگر سهواً چنین کند مثل اولی پیش از امام
بکسوف هر دو شکی اگر ممکن باشند بکسوفه و اگر واجب بر او بگوید
نمازش صحیح است هر چند احوط اعاده نماز است
در صورتیکه پیش از امام از رکوع سهواً مراست شده و متابعت
کرد و هر دو تارفت بود و متابعت کند امام با و رسید
ضرر ندارد و اما اگر عمدتاً بماند و متابعت نکند گزینۀ نماز است
واقوی محتمل و احوط اعاده نماز است و اگر تارفت بکسوف
امام با و رسید ضرر ندارد و بهمان حالت باشد سست
متابعت در احوط واجب نیست مگر او که بشنود صوت امام را

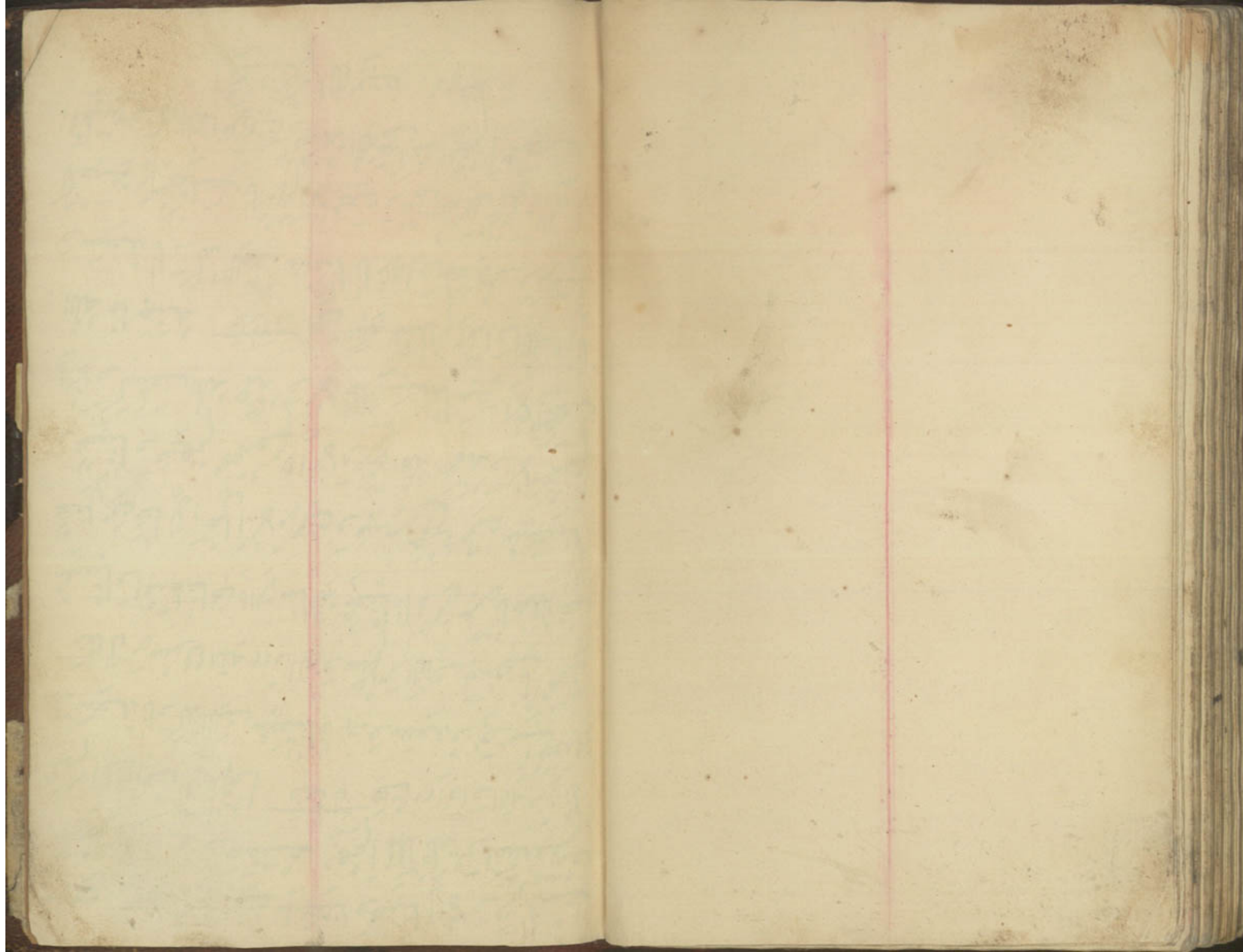
احتمالی به پیشندند و اگر در هر طریق که علم با قول امام باشد
باشند متابعت احوط است و اما اگر سهواً چیزی از تشهد
افتاد و همان را بقصد تریقه اعاده کند مسئله واجب است
تکبیرة الأعرام بعد از امام بگویند و هم چنین است سلام ^{حسب}
اما هر دو سلام را بعد از پیش از امام بگویند احتیاطاً نماز را
اعاده کنند مگر او که قصد فرادی کنند و بگویند و اگر سهواً
پیشتر بگویند احتیاطاً بعد از امام با نیز بگویند و دو سجده سهواً
به نیت تریقه بخارند مسئله هر دو امام یعنی امام است
قدرت بود و درست خواندن نداشته باشند و ما موم دور
نخوانند صدق است کنند

در نماز جماعت
در صورتیکه پیش از امام از رکوع سهواً مراست شده و متابعت
کرد و هر دو تارفت بود و متابعت کند امام با و رسید
ضرر ندارد و اما اگر عمدتاً بماند و متابعت نکند گزینۀ نماز است
واقوی محتمل و احوط اعاده نماز است و اگر تارفت بکسوف
امام با و رسید ضرر ندارد و بهمان حالت باشد سست
متابعت در احوط واجب نیست مگر او که بشنود صوت امام را









بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

۱۷۱۰

اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان

و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان

و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان

و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان



و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان

و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان

و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان
و اولاد و فرزندان

